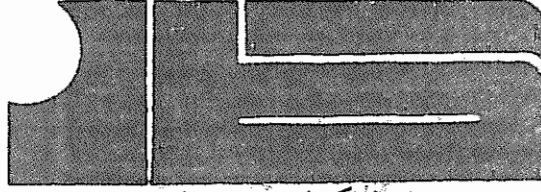


کارگران و زحمتکشان
متحد شوید



بابود ناد امیرالمسلم جهانی
سرکردگی امیرالمسلم امریکا
وپایگاه داخلین

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۶

صفحه ۲۰

چهارشنبه اول مهرماه ۱۳۶۰

سال سوم - شماره ۱۲۸

پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به دانش آموزان سراسر ایران

آیارژیمهای ضد خلقی چون رژیم خمینی، سادات و پینوشه با انتخابات قلابی و نمایشی می توانند به حکومت خود مشروعیت بدهند؟!

هنوز دو ماه را انتخابات ریاست
جمهوری نگذشته است که با رد دیگر رژیم برای
برای اعلام نتایج با تکرار است. انتخابات
مردان دکه به "انتخابات" محمد علی را نشی
به رئیس جمهوری منحرف گردید و با دعای رژیم
سردیک به سیرده میلیون رای آورد و گفته
شد که بیش از ۹۰ درصد رای داده اند یکی
از مفتضحترین انتخابات تاریخ وطن ما
بود و مسلم است که انتخابات ۱۰ مهر که در
آن علی خامنه ای با پدید آمدن صندوق بیرون
آید دست کم از سلف خود نخواهد داشت! آ
رژیم خمینی تا کسور کوشیده، و در آید

دانش آموزان مبارز و انقلابی!
سال تحصیلی جدید در شرایطی آغاز
میکردد که رژیم ترور و اختناق سایه سوم
و سرفت آور خود را بر میهن ما گسترده است
بقیه در صفحه ۲

بازسازی و گسترش بی شرمانه ساواک - اهداف آن، وظایف ما

برده ها فرو افتاده است و رژیم در عریان -
ترس نکل ممکن سرکوب خود را به پیش
میبرد. اگر رژیم با سروریکا رگیری مجدد
ساواکها، سازماندهی مجدد سوسان
و خیرحسان، ایجاد گروههای تعقیب و
مراقبت را تشدید کند، سرکوب و بازسازی
ساواک، ایجاد سازمانها و غیره را تا به
فدا انقلاب میجواید باید یک رشد ساززه -
ظرفی او را داشته است تا شرمانه
به آنها بازسازی ساواک را اعتراف نماید
بلکه بوده ها را نیز به ما واگنی شدن فرس
خواند.

رژیم مدتی است که سرکوب عریان را
پهنه کرده است و سیماها را کشتار میکند. اگر
با دیروز کشتار رکا رکان، به رکا ریسین
صوف نظا هرات بوده ها، ترورهای سیاه
با ندهای حزب اللهی، خانه های امن سیاه
با سداران، شکنجه در زندان و هرگونه
سرکوب دیگر در خفا! با کمترین سروصدا
و احیاناً "با یونتی مردمی" انجام میدهند
و آنجا که زبیده بیرون می آید کشتار -
میشود و عجلانه تکذیب میکنند و یک "هرت
بررسی" نیز از سوی جلاد و از خود شکنجه گران
و کشتار کشتگان ایجاد میشد امروز ما می

در این شماره

جنبش جهانی
پرونتار با آزادیهای دموکراتیک
ارگان سازمانی و نقشی آن

اقتصادیما و بحران زده ایران ویژگی ها و
جنبه های خالب توجهی دارد که هر یک از -
آنها به نوعی بحران و احتضار اقتصادی را
معکس میکند. یکی از این جنبه ها رواج
ندید ما چاق مواد مخدر، فاق چاق مواد الکلی
و اخیراً "انواع سنگا رهای خارجی و سنگا -
های مرعوب دولتی (ماخت خارج) است -
موردا خیر چندا شدت یافته است که مشول
ترکب دحاسبات ایران را واداشته است تا
به دوی اجر حکومت اسلامی، یعنی آیت الله
خلعالی (= اعدام) مشول شود با به گمان
خود با این وسیله فاق سنگا را از بسن
سرد (کشتان ۲۳ شهریور ماه ۶۰).
بقیه در صفحه ۸

بحران اقتصادی، رشد فاق چاق و لاطمیت خلقالی!

مرکز بر حزب جمهوری اسلامی زنده باد شوراهای انقلابی پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان

پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به دانش آموزان سراسر ایران

بقیه از صفحه ۱

را که خلق با خون هزاران شهید بدست آورد، عرصه ناراج گری رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفته اند. برندگان آنها نباشند از هزاران مبارز جان سرفکفی است که تنها آنهاست دفاع از دست آوردهای انقلاب و آزادیهای مردم است. هر روزدهها تن از بهترین فرزندان انقلابی خلق بحرم - دفاع از آزادی و منافع زحمتکشان ایران بجوخه اعدا م سپرده می شوند. رژیم جمهوری اسلامی جنایات ضد خلقی خود را بنهایت رسانده است. دیگر اقدامات سرکوبگرانه و جناپتکارانه رژیم جمهوری اسلامی محدود به سرکوب مبارزات کارگران و دهقانان، سرکوب خلقهای تحت تسلیم ایران، لگدمال کردن دست آوردهای انقلابی شده هان نیست. رژیم بیشرمی را بعدی رسانده است که ابتدائی ترین موازین برسمیت شناخته بشری را زیر پا نهاده است و دانش آموزان ۱۵-۱۴ ساله و زنان حامله را با تمام شرکت در تظاهرات یا بخش اعلامیه بجوخه اعدا می سپارد. جنایاتی را مرتکب می شود که نظیر آن را در هیچیک از رژیمهای فاشیستی - نظامی موجود نمیتوان یافت.

رژیم جمهوری اسلامی در شرایطی دست با این اقدامات جنون آمیز و ضد بشری میریزد که طی نزدیک به سه سال حا ممه را بموی قهقرا و بریریت موق داده است. و غامت اوضاع اقتصادی و ففرو فلاکت ناشی از آن هر لحظه جا ممه را بسوی یک - انفجار بزرگ نزدیکتر می کند. اقتصاد جا ممه سراپا از هم گسخته است. فشار با برحران اقتصادی هر لحظه زندگی را بر انبوه زحمتکشان میهن ما دشوار تر میسر میسازد. میلیونها کارگر بیکار و روگرنه، در محسرت لقمه نانی برای خانواده خود بصر می برند. کمبود کالاها و ما یحتاج مورد نیاز زحمتکشان با رژیم زندگی را بر انبوه توده ها دشوار تر کرده است. قیمت هر روز - مره افزایی می یابند. فقر و فلاکت سراسر جا ممه را فرا گرفته است. سیاستهای ضد خلقی رژیم مدام شرایط زندگی توده ها را دشوار تر میسازد و با فقر و فلاکت را افزون - تر می کند. جنگ دولتهای ایران و عراق که تاکنون هزاران کشته رسی و میلیونها آواره برجای نهاده است. هزینه های گمرشکنی را با قضا د مملکت و توده های مردم تحمیل کرده است. در حالیکه سرمایه - داران ایران و عراق و اخصارات امپریالیستی سوده های کلانی را تحسب میزنند، زحمتکشان ایران باید میلیاردها - ها هزینه این جنگ را با تنگای مختلف بپردازند. در چنین شرایطی ... نام بر ناراضی مردم افزوده می گردد و رژیم جمهوری اسلامی که قادر نیست حداقل نیازها و خواسته های توده های مردم را تامین کند و هر لحظه سرنگونی خود را

نزدیکتر می بیند، برای بقا ننگین خود به آخرین حربه ها متوسل شده است. سیاست ترور و اختناق، سیاست ایجاد محیط رعب و وحشت را برگزیده است تا با پدید آمدن سرکوب ساختن توده ها، مبارزات آنها را سد کند و چند روزی دیگر بحیثیت نفرت آور خود ادامه دهد. از همین روست که در ماههای اخیر دست بحنان جنایاتی زده است که بحرات میتوان گفت در طول تاریخ نوین بشریت کم نظیر است. اما تاریخ تاکنون مکرر بحتم دیکتاتور ها و رژیمهای ارتجاعی نشان داده است که سرکوب و قهرقا در نیست توده های را که در راه زندگی به سرکوب آزادی بیای می خیزند، ما بسوس سازد. بنا بر این اگر چه ددمنشی ها و جنایات دیوانه - وار رژیم توانسته است افضی موقتی در مبارزات ها دوا شکار توده ها پدید آورد، اما مطمئنا این وضع نمی تواند ادامه یابد. توده های که در زیر شکنجه و فشار های اقتصادی و سیاسی قرار دارند، توده های که با آن همه امید و آرزو رژیم ستورشا را سرنگون ساخته اند، اجازه نخواهند داد که رژیم جناپتکار جمهوری اسلامی موقعیت خود را تثبیت کند، دیگری نخواهد پایید که توده های سراسری میهن ما بیکپارچه برای سرنگونی این رژیم جوروسیم، رژیم خفقان و اختناق بهیچا خیزند. در این میان، در سال تحصیلی جدید وظیفه ای سنگین در سپار زه علمیه رژیم بردوش دانش آموزان مبارز و انقلابی قرار دارد.

جنبش دانش آموزی و دانشجوئی ایران همیشه نقش موثری در جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران ایفا کرده است. امروزه خا طره مبارزات قهرمانانه دانش آموزان ایران در مبارزه علیه رژیم شاه، در مبارزه علیه دیکتاتور سوری و اختناق، در تظاهرات خیابانی و سنگر بندی های روزهای قیام فراموش نشده است. دانش آموزانی که این چنین قهرمانا و با از خود گذشتگی علیه رژیم شاه مبارزه کردند، امروز مورد حملات کین توزانسه و دشمنی بی پروای رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفته اند. هم اکنون بخش وسیعی از زندانیان و اعدا شدگان روزهای اخیر را دانش آموزان و دانشجوئی تشکیل میدهند. رژیم که مبارزه قهرمانانه دانش آموزان را علیه شاه فراموش نکرده است، تمام تلاش خود را بکار گرفته تا مدارس این سنگرهای مبارزه دانش آموزان را بهر قیمت تسخیر نماید. از همین روست که سوا ی اعدا مها و انبوه زندانیان، از شبت نام عده ای از مبارزترین سوسیالیست ترین دانش آموزان خودداری کرده است تا بحال حا م خود با اخراج زندان و اعدا م رعب و وحشت را بر مدارس - نیر حاکم سازد. اما دانش آموزان مبارز و قهرمان میهن ما تسلیم این فشارها نخواهند شد. دانش آموزان سراسر ایران

با پدیدخوبی آگاه با شنید که هرگز، تسلیم شدن به سیاستهای ضد خلقی رژیم هرگز، سه تن دادن به اخراجها، اعدا مها و عدم مقاومت در مقابل این سیاستهای سرکوب - گرانه و ضد خلقی با بحال شدن آرمان تمام شهدای خلق، آرمان شهدای دانش آموزان ۱۳ ساله است. بنا بر این سال تحصیلی جدید، سال مقاومت، سال پایداری استقا م و مبارزه بی امان همه نیروها از جمله دانش آموزان سراسر ایران است. سال تحصیلی جدید با لی سر نوشت ساز محسوب می شود. دانش آموزان مبارز و انقلابی میهن ما باید مبارزات خود را علیه اختناق و سرکوب، علیه رژیم جناپتکار جمهوری اسلامی چند برابر کنند.

در این زمینه وظیفه ای با زهم سنگینتر بردوش دانش آموزان آگاه و انقلابی بسویزه دانش آموزان پیشگام قرار دارد. آنها باید تمام تلاش خود را در جهت بسیج و متشکل کردن وسیع ترین بخش توده های دانش آموزی را بگیرند و حول مشخص ترین توده های ترین و عام ترین شمارا دانش آموزان را بمبارزه علیه رژیم بکشانند. تنها مبارزه چند نفر کافی نیست، با بسکه توده های دانش آموزی مدرسه، دانش آموزان مدارس یک استان، توده های دانش آموز سراسر ایران را بمبارزه دعوت کرد. برای همه دانش آموزان توضیح داد که اگر امروز دانش آموزی اعدا میشود بزندان می افتد و با اخراج می گردد، فردا نوبت دیگران است. اگر امروز در مقابل سیاستهای سرکوبگرانه و ضد خلقی رژیم ایستادگی نشود، فردا رژیم هراران با ر - خو بخوار تر و جناپتکارانه تر از امروز عمل خواهد کرد.

رفقای دانش آموزان! تنها با اتحاد و یکپارچگی همه دانش آموزان انقلابی تنها با اتحاد، تشکل و همبستگی دانش آموزان سراسر ایران است که میتوان مبارزه پیروز مندانه دانش آموزان را علیه رژیم ترور و اختناق رهبری کرد. رفقای دانش آموزان! تلاش خود را علیه رژیم ترور و اختناق ده برابر کنید، متحد شوید، مطمئنا پیروزی از آن زحمتکشان و شکست سر نوشت محسوب تمام جناپتکاران و همه مرتجعین تاریخ است.

متحکم با اتحاد و همبستگی دانش آموزان سراسر ایران علیه رژیم ترور و اختناق مرگ سر رژیم جناپتکار و مرتجع جمهوری - اسلامی نابود با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم آمریکا و با بگانه د ا حلیس

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

پیام پیشگام بمناسبت آغاز سال تحصیلی

با درود به دانش آموزان مبارزی که همچون رهروان ۱۳ آبان، قهرمانان بهشت های گره کرده به پای جوخه های اعدام رفتند و بوفشان درخت تناور انقلاب را آبیاری نمودند .
و با درود به دانش آموزان انقلابی که هم اکنون درسیاهجالیهای رژیم جمهوری اسلامی از پای شنشسته و با مبارزه دلاورانه شان در زندان، ایمان و وفاداری خود را به انقلاب و راهی زحمتکشان نشان میدهند .

دانش آموزان مبارز

در شرایطی سال تحصیلی جدید را شروع می کنیم که رژیم جمهوری اسلامی پس برقرار کردن حکومت ترور و خفقان، ابتدائی ترین حقوق و آزادیهای سیاسی را از توده ها سلب کرده و هزاران تن از زندان انقلابی خلق را دستگیر، زندانی و اعدام کرده است. در شرایط کنونی که از یک طرف نارضایتی توده ها در اعتراضات، فکس و بیگاری هر روز با شدت بیشتری بخسود میگرد و از طرف دیگر بدلیل سرکوبهای خونین و وحشیانه رژیم و پراکنندگی نیروهای انقلابی مبارزات توده ها در این مقطع فروکش موقتی نموده است .
رژیم جمهوری اسلامی برای رهایی بحران اجتماعی و اقتصادی موجود و جلوگیری از سقوطن تلاش گسترده و وسیعانه ای را آغاز کرده است اما بدلیل عدم توانائی در حل بحران موجود و عدم انطباق رژیم سیاسی با سطح رشد نیروهای «ولسده محکوم به سقوط است و در آینده ای نه چندان دور، (با ورزش تندبا دجنش توده ای کارگران و زحمتکشان) شاهد سقوط و انهدام آن خواهیم بود .

در شرایطی سال تحصیلی را شروع می کنیم که رژیم جمهوری اسلامی از نسبت نام هزاران دانش آموز مبارز خودداری کرده و میکوشد سرکوب و اختناق را در مدارس نیز حاکم کند . به همین خاطر در بحثنامه های آموزش و پرورش قید شده است : "هیچ گروهی حق شمولیت سیاسی در مدرسه را ندارد، مدرسه های اموردرسی است و فقط "انجمنهای اسلامی، در نشر عقایق اسلامی" مینوآند همگاری کنند ."
رژیم میکوشد نسبت به پرورشی "مدرسه جدا از سیاست" را احیا کند (سیاستی که شما با مبارزات خونین خود آزراییگسور

سپرده است)، آزادی سخن، آزادی مطبوعات آزادی فعالیت سیاسی که شما با مبارزاتان کسب کرده اید، از آنجا که به آگاهی و بیداری توده ها منجر میشود، رژیم ضد خلقی حاکم را به هراس انداخت و شما لیت سیاسی را ممنوع کرده و در مدارس سها دهی وابسته را برای جلوگیری از فعالیت سیاسی دانش آموزان بر راه انداخت تا بجای دفاع از مصالح دانش آموزان، به سرکوب آنها بپردازند، وظیفه شما دانش آموزان آگاه و انقلابی است که با افشای ماهیت این انجمن های اسلامی وابسته به رژیم مقاومت توده ای دانش آموزان را در جهت انحلال این نهادهای وابسته و نامیمن خواستهای دانش آموزان سازماندهی کنید .

دانش آموزان مبارز

در شرایط فعلی، شوراهای انقلابی که برای حفظ و گسترش آزادیهای سیاسی، آزادی مطبوعات، آزادی سخن تشکیل شده بود، مورد پورش رژیم قرار گرفته و سرکوب شده است، اما رژیم برای سرکوب توده ها در مدارس نیز اقدام به ایجاد شوراهای فرهنگی از طرف انجمن های اسلامی خواهد کرد. این شوراهای در فضائی دموکراتیک، بلکه در فضای رعیت و وحشت و با انتخا بات اجباری تشکیل خواهد شد با افشای سیاست رژیم و ماهیت انتخا بات قلابی و سازماندهی اعتراضات و مقاومت توده ای اینگونه انتخا بات را تهریم کنید و در مقابل به تبلیغ شوراهای انقلابی با انتخا باتی آزاد، دموکراتیک مخفی و مستقیم بپردازیم و در صورت ارزیابی مثبت از وضعیت توده ها و مناسب بودن شرایط به ایجاد شوراهای انقلابی اقدام نمائید .

دانش آموزان انقلابی

عینش دانش آموزی به مناسبت به بخشی از جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران در فقدان تشکل مناسب (یعنی سازمانی دمکراتیک) بسر میبرد و بعد از گذشت دو سال و نیم از نام، در اثر ضعف و عدم درک صحیح نیروهای انقلابی هور هیچ تشکلی (دمکراتیک) که بشوآسد

دانش آموزان را به دور خود جمع کند و وجود ندارد. شما نیروهای انقلابی و طبیبسه دارید که با جمع بندی تجارب خود و اسما، از سایر تجارب موجود، در جهت آراش منسوری حول اهداف جنبش دانش اموری اقدام به ایجاد تشکلی دمکراتیک نکنید. لازم به تذکرات است که ملاک عضویت در این سازمان ها، نه داشتن ایدئولوژی واحد، بلکه پذیرش منشور مشترک میباشد .

دانش آموزان رزمنده در آستانه سال تحصیلی با هزاران زندانی و مدتها شهید دانش آموز به کلاسهای درس میرویم، با مبارزه بیگمروبی اسان برای آزادی دوستان زندانی و سکا ز- گرداندن آنها به مدرسه، بهر چه رزم انقلابی جنبش دانش آموزی را (همچون دوستان شهید خود) برافراشته نگاه دارید و از احکام شدن جو ترور و اختناق بر محیط آموزشی و سنگرمبارزاتی خود جلوگیری کنید .
های خالی هر دانش آموز شهید را با افزایش مبارزه خود و به میدان کشاندن دیگران برگزید، رژیم تا کنون بجای از همگامی ها و دوستان محصل شما را دستگیر، شکنجه و اعدام کرده است و چنانچه در مقابل این موج جنایت، دلاورانه مقاومت و ایستادگی نکنید فردا نوبت شما خواهد رسید .

اخبار جنبش دانش آموزی را با استفاده از هر وسیله ممکن (تنگشیر یا کاسه، پلی کپی دستی، درخت نویسی روی مقوا و غیره) به گوش توده های مردم دانش آموزان همه آرزوی برسا سید و سیدین طریق مبارزات خود را با مبارزات شده ها پیوند دهید . با نیروهای انقلابی در مدارس تماس بگیرید و حرکات خود را مشترک و متحد با آنها به پیش ببرید و با توجه به اینکه هرگونه کسروی و حرکت گروهی را به مناسبت کل جنبش دانش آموزی لطمه جدی خواهد زد، مسئولانه با چنین گرایشی مبارزه کنید .

دوستان دانش آموز

والدین شما کمائی هستند که بطسور مستقیم در سر و شت شما سهمیه و به چگونگی آن علاقمندند، آنها را بطور مرتب و مداوم در جریان و مابقی که در جامه میگذرد قرار بدهید، اخبار جنبش انقلابی و عملکردهای فدا انقلابی رژیم را برای آبان اسکا کنید و از اخبار داده ها به مناسبت به مناسبت محکمسی در تحلی خواسته های سخن سان سکاری جوشید .
صفحه در صفحه ۲

ترور، شکنجه، زندان به نفع غارتگران، آزادی سیاسی، شورای انقلابی، به نفع زحمتکشان

پیام پیشگام

صفحه ۲

معلمین آگاه و مبارز

سال تحصیلی برای شما مربیان دلسوز عالی پر از اندوه و امید است، ان شاء الله از دست دادن فرزندان و همکاران شهید - نان، اندوه دستگیری ها و اخراج ها، و امید به اینکه سرانجام خلق برمیخیزد و زجا برخواهدگردد ریشه ظلم و ستم ها و شقاوت ها را، هم اینک موج اخراج ها بیش از پیش گسترده میگردد و این در شرایطی است که رژیم از عناصر "مکتبی" و بی صلاحیت در امر آموزش و پرورش بجای معلمین آگاه و مبارزان استفاده میکنند. وظیفه شماست که با اتحاد و تشکیل خود به دفاع از همکاران و فرزندان محملتان برخیزید و ایمان به پیروزی رزم پر خروش خلق به کار رتلیغ و ترویج خودبیا فزاید و آنگاه جنبش خود را بر طبقین سرسازید.

پدران و مادران متعهد و مسئول

فرزندانی که شما به قیمت همه زندگی خود آنها را بزرگ می کنید هم اینک در جنگ رژیم جمهوری اسلامی اسیرند. هم بطوریکه تا بحال به آن مواجحه بوده اند عوامل رژیم در مدارس از جنب نام مجلس انقلابی (شناخته شده) برداری میکنند. بسیاری از این دانش آموزان در امتحانات شهریورد دستگیر و با مورد ضرب و شتم عوامل مزدور و سرسپرده قرار گرفته اند. بسیاری از نوجوانان دلاور وطن ما بحرم دنیا از زخم گشای و میبارزه با صدا انقلاب خاکم توسط رژیم به شهادت رسیده اند. شما پدران و مادران بیش از هر کس دیگر عمیقاً مسئول حمایت از درک می کنید و می بینید چگونه حاصل زحمات سالهای عمر آنها را از دست میدهند. نصیبت به این جنایات بی تقاوت و خموش نباشید، با اتحاد و اتفاق شما پدران و مادران دیگر در سراسر سرزمین این فجایع برخیزید و از فرزندان شما بیگمرا نه حمایت کنید.

کافی نیست که تنها فرزند شما مورد ضرب و شتم قرار بگیرد و از آن کام بعمل آید. موج نپا حصد انقلاب هر روز گسترده تر خواهد شد و اسامی بیشتری را خواهد گرفت، اگر در مقابل این موج

نایستیم، امروزه، فردا نوبت به حکم گوشه شما خواهد رسید و آنگاه نوبت دیگر برای هر حرکتی دیر است. هم امروز هم صدا با همه پدران و مادران و فرزندان شما با اعتراض برخیزید و صدای خود را بگوش همه مردم برسانید. ایمان داشته باشید که اتحاد مقدس نیروهای آگاه و مبارزان شما با جان فداکاری و ایثار رتو ام کرده، قطعاً به پیروزی خواهد رسید و هیچ نیروی قاندر به شکست آن نیست. ما (دانش آموزان) رژیم جمهوری اسلامی (همانند شما می رژیمهای ضد انقلابی و جنایتکار) چون اینک در آستانه سقوط و اضمحلال قرار گرفته است، دست به هر جناحی و توطئه ای زده و خواهد زد. از همین رو برای ایستادگی در مقابل یورشهای سرکوبگرانه آن همه نیروهای آگاه و مبارزان وظیفه پس سنگینی بعهده دارند. ایمان داریم که وحدت رزمنده نوده های آگاه و مبارزان بگانه و محکمی است که میتواند جنایات رژیم را منوط و به کلیه جناحیتکاران و توطئه ها پایان بخشد.

وظیفه همه مردم آگاه و مبارزان اینست که با درک اهمیت آنچه که اکنون در عرصه نبرد بین انقلاب و ضد انقلاب میگردد، نقش و وظایفی را که در مقابل آن بعهده دارند مسئولانه درک کرده و متناسب با توان و امکاناتی که دارند (بهر شکل ممکن) جنبه انقلاب را در "جنگ مقاومت" ساری رسانده و ایمان داشته باشند که پیروزی از آن - نوده ها است و رژیم جا کم بر زمین خراش میماند که بدان دچار است، هرگز قادر نیست در مقابل جنبش نوده ای، ایستادگی (موتز) کرده و قطعاً "سرنگون" و مضحل خواهد شد. پس برای تسریع این سرنگونی و محور رژیم اجناسی و سرور برای برقراری دموکراسی واقعی، پیش سوی نفوس جنبه انقلاب، پیش سوی مشارکت فعال و حمایت سیدرغ از نیروهای انقلابی، مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و بیا بگانه داخلش

بکشیم تادر پیوند با جنبش سراسری

خلق جنبش دانش آموزی

راپرتوانتر سازیم

اول مهرماه ۶۰

گرامی باد خاطره

رفیق
فادره
نوری



رفیق فادره نوری (حمیله) در ۲۲ اسفند سال ۱۳۳۶ در یک خانواده ارثی متولد شد.

از همان اوان کودکی بعلت اسکله در محیط خانوادگیش عناصر آگاه و جسود داشتند، بذراگاه هی و مبارزه در وجودش برانگنده شد.

در دوران تحصیل بارها بعلت درگیری با مسئولین و موضعگیری در مقابل سیاست های آموزش و پرورش تهدید به اخراجند.

در شهریورماه ۵۹، بعد از آشنائی با مواضع سازمان و طرد ابورنوبت سیاهی کمنه مرکزی در شهر یورما به هواداران - سازمان می پیوندید و فعالانه در جهت سران مواضع سازمان در بین نوده ها کار میکند.

در تاریخ ۶۵/۵/۱۸ در اسوس ترک و واحد همراه با تعدادی کسب و خریه کار دستگیر می شود و بعد از ۲۹ روز در ۶۵/۶/۱۶ توسط مردوران رژیم اعدام می شود. پادش گرامی باد

تجار مکتبی برای ادامه

جباول خلق به حزب

جمهوری اسلامی

باج میدهند

این سند مونه ای ارتعسبم بودهای کلان تعار بزرگ مکسی با حرب خانی آمان است در حالیکه اصاف و فروشندگان حرب ارسوی رژیم بحرم کرافروشی نلاق مجبور بحار بزرگ با برداخت باج به حرب ارهبر گونه سرضی در آمان بوده و با آزادی کامل به جباول خلق رحمکش ایران می بردازند.

استقلال - کار - مسکن - آزادی

پرولتاریا و آزادیهای دموکراتیک (۸)

لیبرالها و دموکراسی

همانطور که قبلاً ذکر کردیم لیبرال لیسم در معنای واقعی خود به عنوان روبرو شدن سیاسی اجتماع مناسبت برای دوران - رقابت آزاد سرمایه داری و در شکل سیاسی دمکراسی بورژوازی پدیدار گشت و پس از حاکمیت آنها رقابت آزاد ضرورت وجودی خود را - از نظر طبقه سرمایه داری - از دست داد - هم وقت سیاسی امپریالیسم عیار رست از بسط ارتقا عدالت تمام جبهات و تشدید استعماری ملی (المنین) امپریالیسم به مثابه (۱۰۰۰) و این خود به معنی اعمال سیاسی هتروپن انکال حکومتی ممکن در هر نقطه ای است که تحت سلطه آنها رقابت قرار دارد. در عین حال ما بروشنی بررسی و اثبات نمودیم که در وجه عام روبروئی سیاسی تشبیه شده در جوامع سرمایه داری وابسته دیکتاتور است و در این جوامع حاکمیت دمکراسی ملی از عراب بنادر دیگر به استثنای ما اینک معالیه مورد نظر ما اینست که آنها در جوامع سرمایه داری رقابت قشاری سرمایه داران هستند که خواهان برقراری - دمکراسی بورژوازی با تشدید نه؟ هرگاه به خواهم بشکلی کنی. منالیه را بررسی کنیم میتوان گفت، ا قشار متفاوت سرمایه داری وابسته در عین کشمکش داخلی بر سر تقسیم ارزش اضافی حاصل از دسترنج کارگران و زحمتکشان ضایعاً "منافع خود را در رقابت مستقیم با بقا و آبستگی - اقتصاد و ارتباط ارگانیک با امپریالیسم میبایست. در نتیجه تنها با اقتسار سرمایه داری در جوامع سرمایه داری وابسته جهت حفاظت از روابط و آبستگی از نظر سیاسی خواهان اعمال دیکتاتوری انسد زیرا همانطور که گفتیم در وجه عام بدون به کارگیری این روبروئی سیاسی بقای سیستم و آبستگی سرمایه "بزی بر شوال کشیده خواهد شد. اما بهتراست منالیه را دقیقتر و از جوه متفاوت بررسی کنیم.

بورژوازی نوپای غرب از سوشی جهت تا مین بهترین قشاری برای همپوشانی رقابت آزاد دین سرمایه داری را از هم و از سوی دیگر در تقابل با روبروئی فئودالی حاکمیتها منقاد اعمال آزادیهای گوناگون منجمله آزادی بیان، مذهب، شغل و... بود و از یخوولیمبرالیسم به معنای واقعی خود شکل گرفت و سیستم حکومتی دمکراسی بورژوازی در مقابل با شایع اعمال شده از سوی حاکمیت فئودالی بوجود آمد. این نیازیهای سرمایه داری نوپا بود که پس از شکل آنها کمیت سیاسی را در تمام وجه آن میطلبید. اما در جوامع وابسته منالیه به شکل دیگر نیست. تضادهای بورژوازی با فئودالیسم و انتقال سیستم حاکمیت از فئودالی به سرمایه داری نه به شکل انقلابی آن بلکه در شکل رفو صیستی و از با لامنتطبق

با منافع سرمایه های امپریالیستی حاصل میگردد. در حقیقت در مضمونی دیگرسر بشود لیسم به عنوان متحد سیاسی امپریالیسم کارآیی خود را از دست میدهد دیگر بقای روابط فئودالی با نیازیهای سرمایه های بعین الطلیقی، صدور فزاینده سرمایه و رشد سرمایه وابسته سازگار نیست. روابسط تولیدی وابسته و خود کشایها کم در روستاها امکان بدست گیری گام با زار روستا پس توسط سرمایه وابسته را معدوم میکند و رشد فرهنگ، مصرفی و با لافتن سریع مصرف کالا - های امپریالیستی را کند میکند. فزولاکت حاکمیت سرمایه داری (که در وجه غالب روستا شیند) قدرت خرید را از امپریالیسم را تا مین نمیکند، نیروی کار در زنجیره - روابط پوسیده فئودالی اسیر میماند و نیازیهای صنایع مونتاز شیری را تا مین نمیکند. در این شرایط است کسسه تضاد فئودالیسم با سرمایه آنها در روستاها و سرمایه داری وابسته را میگیرند و دیگر فئودالیسم نقش خود را بعنوان متحد سیاسی منافع برای امپریالیسم از دست میدهد. او دیگر نیازیهای روستاها بر سر است این سیستم پوسیده و فراتر از نیاز به تصریح حل این تضادها نیست.

تضاد به سودگشش مناسبات سرمایه داری و بورژوازی وابسته حل میگردد و فئودالیسم در سطح سرمایه داری نمیخورد. حل رفو صیستی تضاد را با لادیکر محل و بسا نیازی برای شکل گیری روبروئی امپریالیستی در تکامل با روبروئی فئودالی باقی نمی نهد. استنباط فئودالی که به علت خستندگی امپریالیسم در انکال متمرکز و منجمد خود وجود دارد به آرا میهای خود را به دیکتاتور سرمایه داری وابسته میدهد.

از سوی دیگر در وجه اقتصاد دیر سرمایه داری وابسته هیچگاه رقابت آزاد شکل یک مکانیسم غالب و حاکم شکل نمیگیرد و از یخوولیمبرالیستی منقضی آن یعنی امپریالیسم و دمکراسی بورژوازی نیز زمینه ای برای بروز نیازیها بدست مضمونی این منالیه هدا بیت حرکت سرمایه داری وابسته و تشبیه کننده آن از سوی امپریالیسم است. در این جوامع دیگر این سرمایه داری را نتولید کنندگان بر آکنده کوچک و بی خیرا زیگدیگر نیستند که سرمایه داری میکنند و جهت گیب یا زارومقا بله با رفیب، رقابت آزاد را بصورت چریبان شکل دهنده حرکت سرمایه شکل میدهد بلکه اینها آنها روابانصارات جهانیند که برز منینه تقسیم بین الطلیقی با زجهانی به سرمایه گذاری در این کشورها و استثمار و غارت خلفهای جوامع وابسته میپردازند و در نتیجه سیاست کلی حرکت سرمایه داری تعیین میکنند. شکل عملی این پروسه را - تصمیم گیری آنها رقابت بین الطلیقی در مورد نوعا رقابت و صنایع احداث شده، تصمیم

گیری در مورد زمینه های سرمایه گذاری و امپریالیستی، کارنا لیزه کردن سرمایه توسط با نکهای وابسته و احتیاجات مشروط، تصمیم گیری در مورد تکنولوژی صادرات همچنین تصمیم گیری در مورد حجم صادرات و مدت (توسط اعمال سیاست مستقیم و با کنترل و هدایت با زاروسپله در دست دانتن آنها را، با بکوت دامنیک و...)

تصمیم گیری در مورد نوع و مقدار راه دورگا لاهای و نوع گشت در بخش کشاورزی و... بوجود می آید. تنها می این زمینه ها و این امرها است که سیستم سرمایه داری وابسته را در وجه عمده از سوی امپریالیسم هدایت و کنترل میکند و روشن است که دیگر شکل گیری رقابت آزاد بصورت وجه مشخصه و تعیین کننده سیستمها بی نمی باشد.

مثلاً توجه کنید به وجود کارخانجات تولید و با مل موتی و الکتریسیته بسیار پیشرفته را بن در هنگ کنگ و با کارخانجات گسترده تولید لباسهای چین در کشورهای آسیای شرقی و با کارخانجات ذوب آلومینیوم در ایران (احداث کارخانجات ذوب آلومینیوم به علت مصرف بسیار بالای نیروی برق و هم چنین درجه بسیار بالای آلودگی و خطر برای کارگران در کشورهای امپریالیستی مقرون به صرفه نیست) و همچنین کنترل و سیاست دهی و امپریالیستی توسط با نکهای امپریالیستی و وابسته (مثلاً نقش بسیار مثبتی با ننگ صنایع و معادن در سرمایه گذاریهای مضمونی در زمان شاه) و با گشت مصلحتی چونما رچوبه سوپا و... در شوزستان و قمره و شیردر اینجاست که روشن میشود در جوامع وابسته (در وجه عمده و تعیین کننده) رقابت آزاد سرمایه داری نمیتواند منشا نیازیها بدو در نتیجه وابستگی ارگانیک سرمایه داری به سرمایه داری امپریالیستی، لیبرالیسم و روبروئی دمکراسی بورژوازی معنای نسبی نخواهد داشت.

ادامه دارد

اعتصاب غذای دانشجویان انقلابی ایرانی...

بطرف وزارت خارجه سوئد برگزار می. د. اعتصاب غذای دانشجویان ایرانی طبق آخرین خبر رسیده در شهرهای سوئد هنوز همچنان ادامه دارد و پتن آزاد دانشجویان تا کنون بیخوش شده و به بیجا رستان منتقل شده اند.

اهداف تمام این مبارزات قطع فوری کشتارها و دستگیریها در ایران - محکومیت سیاست امپریالیستی دولت سوئد - و اعزام هیئت های برای بررسی جنایات رژیم جمهوری اسلامی می باشد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ضمن قدر دانی از مبارزات پیگیرانه دانشجویان مبارز ایرانی و با لاشخصی هواداران صدیق سازمان، پیشین دارد که دانشجویان انقلابی ایرانی تا تحقق خواستهای برحقشان از پای نخواهند نشست و به مبارزات قهرمانانه خودتسار پیروزی نهایی خواستهای کارگران و زحمتکشان ادامه میدهند.

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

بازسازی و گسترش بیشترمانه ساواک، اهداف آن - وظایف ما

رژیم با وجودیکه زقبل ساوا ما را تکل داده بود اما اینک پس از یک مقطع سرکوب و حسیا نهوبی تمام نیروی پیش از پیش ضعیف و زیونی خود را در مقابل ما صفا انقلاب - دریا فتهاست . او که ما ده لوجا نه تصور میکرد نیروهای انقلابی را با یک یورش فاشیستی نابود میسازد و آنکه آ زاده آنه به سرکوب میا رزات خلق میبرد آ زاده آنک در عمل دریا فتهاست که انقلاب ریشبه در توده ها و قدرت لایزالشان در اردو نیروهای انقلابی در پیوند تنگ با خلق فنا نا پذیرند . نطفه های این ایده فخلقی یعنی عربان نمودن سازماندهی ساواک و گسترش و تحکیم و وسعت بخشیدن به آن با برنامهای حساب شده از سوی خمینی طرح شد . او ضرورت یک ساواک ۴۶ میلیونی را - مطرح ساخت . آنکا هدیکران ، منتظری ، - رفمنجانی ، و ... به خیال خود این معنی را "جایدا ختند" سپس با طرح این مضمون در قعطنا مه ای بنا نموده ها در روز تشیع رجائی و با هنر به آن رسمیت و "مشروعیت" دادند و در نهایت نیز به زاهدنبوی سیر تشکیل - ساواک اسلامی را پس از قیام شرحه دوسیر آتی آنرا نیز تمویر نمود . (جمهوری اسلامی یکشنبه ۲۲ شهریور - مباحثه مطوعاتی - بهزادنبوی)

بهزادنبوی میگوید : "در آن شرایط (یعنی پس از قیام) وقتی این کارها صورت میگرفت جوی که ما کم بود برجا مسمه این تصور را ایجاد کرد که اصلا پس از انقلاب نیازی به سازمان اطلاعاتی وجود ندارد ... دشمنان انقلاب هم برای اینکه ما را از این فکر منحرف کنند مدتها تبلیغات می کردند که اینها یک چیزی تشکیل دادند . به نام "ساوا" بجای ساواک سابق . جو عمومی این چنین بود که ما اصلا نیازی به سازمان اطلاعاتی نداریم و نیازی به ساختن با شیم" یعنی اینکه پس از قیام - توده ها به خطا تصور میکردند که انقلاب برای این بود که ساواک از زمین برود ! تنگبیه و تمشیش عقاید وجود نداشتند ، نیرو - های انقلابی به جرم عقاید خود زندانی نمی شدند و ... و این خطای ائوده ها بود تا آنجا که ما را از با زسازی سریع و علمی ساواک باز میداشت و از اینرو نیز ما مجبور بودیم تشکیل ساوا ما را - که آن همه برایش خون دل خوردیم! - تکذیب و انکار کنیم .

۲- "این جوشا میدتا یکسال یکسال و نیم ادا میداشت و بعد کم کم برادران توانستند درندهای مختلف حتی از روزهای اوایل پیروزی انقلاب (با لآخره روشن شد بعد از یکسال و نیم) را با ورن کنیم با روزهای اوایل پیروزی در کمیته یک بخش اطلاعاتی تأسیس شد و برادران سپاهیک سری کارها اطلاعاتی را شروع کردند ... یعنی با وجودیکه پیشبرد تحقیق توده ها و آماده سازی زمینه جهت عربان نمودن بازسازی ما و اک، با ندهای

تعقیب و مراقبت ، خانه های امن و اعمال شکنجه و ترور ... پیش از یکسال و حتی یکسال و نیم طول کشید اما ما مظلوم ندیم و از همان روزهای اوایل پیروزی قیام شبکه های ساواک را بکار گرفتیم و سیستم جاسوسی و شکنجه را ایجاد کردیم اما آنرا مخفی نگاه داشتیم .

۳- سازمان اطلاعاتی علاوه بر اینکجه نیازی به افراد صد درصد مومن و فاضل اعتمادا ددا و علاوه بر این شرط نیازی به کسی دار که توان این کار را داشته باشد و جوهر این کار در وجودشان باشد و تجربه کافی داشته باشند و با شنود و با بزبان دیگران زما می ساواکها که حیانا "تابلال بکار گرفته نشده اند رسا" دعوت میکنیم تا با یک تا شیدیه مبنی بر ساواکها فی کار رود اشن پشتکار کافی (اگر جوهر شکنجه دادن داشته باشند بیشتر است) سربا "مراجه نما بندتا ترتیب استفاده مجددشان داده شود .

کا ملا" روشن است که کلمات مفتضحانه "ساواک" - میلیونی تنها برپوشی بود - جهت رسمیت دادن به ساواک سرکوب رژیم می بینیم که در اینجا دیگر سخنی در این مورد نیست و حتی تا کید میسوزد که این عمل نیازی به تجربه کافی و جوهر لازم دارد . اما با زهم نبوی و قیما نه (چون ما بر سران رژیم) اصرار دارد که "این سازمان اطلاعاتی سازمانی نظیر ساواک هیچوقت نخواهد بود یک سازمان اطلاعاتی اسلامی و مردمی خواهد بود ... در این مورد نیازی به سه توضیح فخلقی بودن ساواک اسلامی نیست تنها کافیست به تجارب عملی توده ها رجوع شود . با بدگفت اگر انجمن های اسلامی که در کار خا نجات و ادارات و سازمانها وظیفه جاسوسی و سرکوب را نبوده اند "مردمی" اند ، اگر امور تربیتی مدارس که نقش - تمشیش عقاید و سرکوب را ایفا میکنند ضد فخلقی نیست ، اگر چه ردا نشکا می در جهت توده ها گام بر میدارد ، اگر حزب الهی های محلات و جاسوسان و خائنین به خلق در - خدمت مردمندها لاف را گرسا و اکشا در - جهت انقلاب توده ها حرکت میکند ، ساواک رژیم جمهوری اسلامی نیز "مردمی" است اما توده ها در تجارب خود بخوبی دریا فتها اند که تبلیغی ندهای در خدمت رژیم سرکوبگر خلقها بند .

روشن است که با بددر مورد این عمل سرکوبگرانه رژیم و سیستم "فشاری نمود ، با بد نقش جهنمی ساواک را با دیگر سه مردمی دآوری کرد با یاد ازادی عقیده و بیان و عدم وجود تمشیش عقاید بدبمنوا - یکی از حقوق ابتدائی توده ها سخن گفت و مردم را به مقابل با گسترش و وسعت یابی

این نهاد فخلقی فراخواند ، با بدشماره - انحلال ساواک و دستگای جاسوسی و تمشیش عقاید رژیم را به میان مردم برد . اما این مساله به هیچ روی کافی نیست .

رژیم با این عمل خود با اعمال دیگری که در تکمیل آن انجام میدهد قصد دارد جو رعب و وحشت حاکم بر جامعه را تداوم بخند ، قصد دارد جلوه بحث و گفتگو در میان مردم ، جلوا انتقال اخبار و جلوگیری از افشاگریها را بگیرد ، رژیم سعی دارد با ایجاد وحشت وجود ساواک در همه جا همگانه که شاه عمل میکرد توده ها را بترساند و ایران را به گورستان خاموش و به "حزیره" مسبت بدل سازد . رژیم با یک با خیا با نگردی ، - یورش به بحثها ، با دستگیری بحث کنندگان در صفا و با ایجاد دعوا توسط فالانهای مزدورشان با دادن بخشنا به مبنی بر مصادره تا کسبها بی که در آن بحث صورت گیرد و با گستردن تا بعه های بی مبنی بر قدرت ساواک رژیم و حضور آن در هر کجا قصد دارد پس از ضیاع فخلقی خود را به عمل در آورد . با بدبا این سیاستها به مقابل بله بر خاست ، با بدبرای توده ها روشن کرد که ساواک نصبتا در هر کجا نفوذ کند ، ساواک نمی تواند قدرت توده ها نه مقابل بله بر خیزد ، آنکا که همه بحث کنند به جوهرها را انتقال دهند ساواک خوار و زمین است . آنکا که هر کس اعتراض خود را بیان کند ساواک قادر به عمل نیست ، با بدبه توده ها ضعف و زبونی رژیم را توضیح داد ، با بدبحث را در هر کجا بر آه انداخت . و به پیش برد ، با بدسگوت را شکست ، با بدبه مردم که اینک اکثران - میگویند "حرف نزن میگیرند عداوت می کنند" نشان داد که در صورتی که همه حرف بزداریم و تنها می جلادانش هیچ غلطی نصبتا تند بکنند ، در این رابطه شکل دادن نظا هرات موضعی نیز که توسط نیروهای - انقلابی صورت میگردد نقش مثبتی دارد . (خواهد داشت) . اما در این مورد نکات دیگری نیز قابل ذکر است و آن رعایت است کامل و دقیق مسائل و نکات امنیتی است اینک هرگونه بی توجهی به مسائل امنیتی موجب ضربات شدیدی بر پیگیران انقلاب میگردد ، و از اینرو باید در این رابطه توجهی ویژه مبذول داشت .

۱- با بد توجه داشت رعایت نکات امنیتی جهت پیشبرد دقیق و کامل وظایف انقلابی و برای تداوم بخشیدن شما لیت انقلابی است و آنکا که مخفیکارها تا آنها پیش برود که وظایف انقلابی تعطیل گردد ، با بقولی آقدر مخفیکاری کنیم که مبارزه را کنار بکشیم ، به عصری را شدیدالمنشود .

نبا بدبه بیانه مخفی کاری در جامع عمومی بحث راه بیندازیم ، افشاگری کنیم ، تبلیغ را در هر نوع آن بکناری نهمیم .

۲- برخی رفقا بدلیل رعایت مخفی کاری خود را لومیدهند آنگونه غیر طبیعی رفتار ، بقیه در صفحه ۱۲

زندانی سپاهی آزاد باید گردد ، ترور ، شکنجه ، زندان نابود باید گردد



تقلیدی ناشیانه از شکردهای گشیف ساواک

یجائی پیراهون تشوهای قارویر یونئی رژیم

وصیت رژیم جمهوری اسلامی لزوم چندانی نیست به تصویر کردن نهاد و چون روز روشن است که رژیم تمامی نیروهای بهرکوب خود را بکار گرفته تا شایسته بدست آوردند پس سرسبزیه تکیه نماید اما بهرمان ها کم چنین اجازهای را به او نمی دهد رژیم زخم خورده خسته و هراسان خود را به هر سر میکوبد چنگ و دندان نشان میدهد توده ها را حتی به گنا حضور در محل تظاهرات بی محابا بهرگبار می بینند - جوانان را به جوخه های اعدا می سپارند - نمره سر میدهد "گروهکها مزدور آمریکایی" "سازمانهای مخالف رژیم از هم پاشیده اند" و به حیل و تزویر متوسل میشود تا بدست آورد از دام مرگ محتمل خود بگریزد یکی از حیل های کهنه ای که رژیم بکار گرفته است شوهای تلویزیونی است هر چند اینها تنها بیانات است و واک نشود و مدتهاست مدید توسط دولت های سرکوبگر و ضد خلقی بکار برده می شود اما واک نیز در برگزاری چنین نمايشات استادی بسیار ردا شستند تا دمین و "بریده ها را زمانی که کلا" اما ده میشدند بیای تلویزیون می کشیدند و به خیال خود به وسیله آنان به افشا و منزوی کردن کردهای "غرابکار" می بردند شست اینکار این شکردهای بیساخته ای و - احمقا پند که بیشتر به تقلید میمون کشیدند و بهمانند زسوی رژیم جمهوری اسلامی بکار گرفتند شده است پیش از بحث در مورد جوانب مختلف این مساله بهر شراکت بر می آید وین و هزار مین سر تبه تا کید کنیم - هر چند سر تجمین گوردلان تا ریختند و نه پیشوا شستند ازجا رب آن بیای سوزند - اما سران رژیم با بدیدانند گرا ستادان آنها یعنی شایسته نصیری و شاه جلاد را این شرفندها سودی - بردند اینان نیز خواهند تا نیست بد این طریق به طول عمر خود بیفزایند

در این مورد مساله بسیار قابل توجه است اینست که ترسند آخردر میان توده ها تنها و تنها موجب افشای هر چه وسیعتر خود رژیم میگردد آنگونه که گزارشات توده های نشان میدهد مردم در مشاغل این شهرهای کشیف رژیم را به استهزاء میگیرند و این مساله توهین محسوب میشود مثلاً "کارگری میگفت است" "ما از این گروهها اصلاً خوش نمی آید ولی میدانم هل این حرفها نیستند" چنین نمايشاتی را میتوان به دو دسته تقسیم کرد دسته اول نمايشات فرمایشی و سراپا دروغ که در آن فاشلانها و یا دی خود رژیم شرکت دارند از جمله میتوان آن - نمايش مسخره ای را که یکی از همین زنان مزدور رژیم و شیخا را را جیشی سراپا دروغ را سرهم میکرد نام برد این سری نمايشات در توده ها کلا "تا شیری معکوس انتظارات رژیم میشد اگر در مورد همین نمايشات نام برده به گزارشات مرا جمع کنیم بخوبی می بینیم که تما می میدادیم در این مورد رژیم را به مسخره میگیرند و کلا "مشیت رژیم در مشاغل نشانها را است زن کارمندی از اقصای صبا نشی میگفت "با رود خیره معلوم بود این کارها است و از خود این حزب الهی با بود" و تما می سخنان دیگر به همین محور دور میزند و با در مورد ختری که آترا بسه سا زمان منسوب کردند اکثر گفتگوها بر این محور دور میزند که "اقلا میخواستی یکی بداد شیم دیگره همسا لاله نگو" و یا "اینگه همه صورتش گرفته بود از کجا معلوم از خود شون نمیا شه" ...

اما در دسته دیگری از نمايشات نامین و "بریده ها شراکت دارند تپیل از آنکسه به شوهای سیاسی این نمايشات بسه بردا رژیم تذکری در مورد این دستا زافرا لازم است

همواره بسته به شراکتها کم برجا مسه اشراکات به میا زه روی میا ورنه مثلاً در - صورتیتهای انقلابی تما می توده ها جان برکف به محضه میا پندما در دورا نهی یگوید صبا سی ویا در شراکت ترور و اخناق برای مدتی تنها اقسا رهپشرو هستند که هر چه صبارزه را بردوش میگیرند و به تدریج خود ها میا زه آشکارا آغاز میکنند مساله مشترک که در باره تما می این افراد صدق میکند اینست که آنها در کوران مبارزه طبقا سی است که آبدیده میگردند و چون پس اولاد استقامت میبندند هر چند خاستگاه طبقا تی در این مورد نتیش با زی میکنند اما این تنها بهر چه همواره اصعب السبور میا روتا ست که میتوانند افسا در باره میا زه میا چون مورد و مجید احمدزاده بیژن جزئی همایون - کتیرا شی ویا رفا شیخا و دیگر قهرمانا سی بدل سازد که در زیر شکنجه های سبوعا نسه رژیم شاه بهر سکوت بر لب زندوبه حما سه ها سپردند

اما در این راه همواره نیز هستند افرادی که سنگلخیا نشان را می آزارند آفتاب - سوزان دچار سرکوبه شان میکنند و سختی آنان را از پای می اندازد اینها همواره هستند و از بودنشان گریزی نیست این با لایش های متعدد و مداوم از ما بیانات گوناگون و مسک زدن های بی دربی است که لازم است تا ما زما نهی رژیم و انقلابی و در نتیجه روند میا زه طبقا تی را از گزند آسیب خا نشین و "نادمین" محفوظ دارد در این راهها است که میتوان شراکت کنونی را بررسی کرد

آفتاب کسرتنگ دمکراسی که بر اساس مبارزات توده ها میی ازسالیان سال برقرار است شب سیه و دیکتا توری به میبندمان تا بسید علاوه بر آنکه جان تازه ای در کالبد میا زهین دمید و بسپاری از خفتگان را - بهیدا رساخت و توده های وسیعی را به مبارزه کشید گرمهای زبر خاک را نیز به لمسیدن بر روی خاک گرم قرار دادند بسپاری که میا زه را از آن پنداشتند و جا ده را هموار دیدند (و این نیز از کوششهای شان بود) با به میبنداننها دندا ما دیری تنها شید که اسپر سیه و خفا ن بهر همین گسترده گشت سرکوب گشتا ر ترور و دستگیری شستند بافت و بهر چه غم سنگلخیا را به بدیدار گشتند در اینها لبت بود که گرمهای سر در بر خاک فسق بردند و برخی از آنان که در بهر خود آمدند میا زه رژیم شو نظرا رگشتند و در جنگل جلادیه تا لاهوزاری و اظها رندا مت برداختند البته روندی که گذشت زمان نشان میدهد ضعف آموزشی و تشویک سیاسی در سطح جنبش نیز به بقای این تزلزلات و بهر - سر به آن کمک کرده است و همچنین برخی اشکارا رهپها و خطاها باعث شده تا برخی از عفا سر تزلزل بسپارایند در درون ما زما نهی میا زه نیز سفود نما پند پیحال بررسی این روند خود تجربه ای است که با بد توسط تما می نیروهای انقلابی بکار بسته شود

اما بهر رو تما بسه تعدادا بین نامین با تعدادا در زندان سیاسی موجود و حتی تما بسه تعدادا بین خیا ننگاران با تعدادا اعدا مشغول بر خوبی نشان میدهد که چگونه جنبش بدرستی را خود را به پیش میبرد و میا زهین را از موده و آبدیده میما زد باید در خاطر داشت که اینک رژیم با تما می دروغ و فریبها بش چیزی حدوده آنا دمرا بسه تلویزیون گشتا نند است در صورتیکه در - همین مدت پیش نزدیک به هزار انشورا - اعدا منموده است ۱۰۰۰۰۰ تما زری که تا پای جان بسپاری از آنها حتی نام خود را گفته اند و با سرود زنده ها دا انقلاب به کاروان شهیدان پیوستند این تما بسه بخوبی نشان میدهد که به هر چه روی نسبت خا نشین

بفید در صفا ۱۲

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

بحران اقتصادی، رشد قاچاق و قاطعیت خلخال!

بقیه از صفحه ۱

در این فرصت بجا است نگاه گذرا به زمینه‌ها و علل اقتصادی - اجتماعی شیوع قاچاق و اثرات مایه زرات اسلامی با قاچاق و پیردا زیم، ظرف دوسه ماه اخیر مقامات - حکومتی با رها از رسانه‌ها گروهی اعلام کردند که محمولات سنگین و پر بهای از مواد مخدر (در یک مورد حدود ۴۰۰ کیلو هروئین) از قاچاقچیان کشف کرده اند و چنان که گفته اند این کشفیات در تاریخ مبارزه با مواد مخدر بی سابقه است و به این لحاظ - با بدیه حساب افغانا رات جمهوری اسلامی گذاشته شود. می دانیم که این کشفیات تانگی پس از دوران قاطعیت انقلابی است البته خلخال قاچاق کشف شدگان مواد مخدر صورت میگیرد. و طاهرا " این امر هم بدیهی است که کار آئی تهرانی و اداره مبارزه با مواد مخدر آن اگر کارهای نیا فته باشد (مثل شما منهای دهای دولتی دیگر) الا قل در سطح رژیم سابق است. پس چگونه است که این کشفیات عظیم و بی سابقه صورت میگیرد. آیا نباید این تصور را به حقیقت نزدیک دانست که در واقع با ط تولید و توزیع مواد مخدر چنان گسترده است که دستگاه شهرهای با اندکی تلاش میتوانند محمولاتی به این گران را کشف کنند؟ آنچه این حدس را - تقویت میکند داده شیوع مواد مخدر و حتی کسرتش آن در بعضی نواحی و سهولت دست یابی به مواد مخدر است.

در مورد قاچاق مواد مخدر باید یادآور شد که بنا بر مدارک و شواهد گوناگون و از جمله اسناد سازمانهای بین المللی نظیر سازمان بهداشت جهانی، تولید و توزیع مواد مخدر یکی از ریشه های بسیار سودآور و سرمایه گذاری در مالک سرمایه داری است. منتهی شرایط خاصی که مجال بحث آن نیست موجب شده که قسمت اعظم تولید در مالک سخت سلطه بطریق باطله افعالی (پیش از انقلاب نور ۱۳۵۸)، و ترکیه و... صورت گیرد و البته در این مورد نیز سرمایه های بین المللی امپریالیسم نقش فاش را دارند. سرمایه های گزافی در سراسر جهان سرمایه دار صرف تولید و توزیع مواد مخدر و مخدر میشوند و این خود یکی از جنبه های فدیگی امپریالیسم است. امپریالیسم توری سودآور - تولید و توزیع مواد مخدر در عین حال یکی از جنبه های انحصاری است و در این انحصارات رقابت های خونی در جریان است و پیوسته آنان که با قدرت های حاکم ارتباط نزدیکتر دارند، آرامکان بیشتری برای برقراری در انحصار بیشتر به سود خود بر خور دارند. به عنوان مثال آقا با از طرف پهلوی سر دست قاچاقچیان مواد مخدر ایران ناشناخته با دگردهای برای برقراری انحصار بیشتر ترسیمی داده بود که قاچاقچیان "منعوه" یا بدست سبک را به تنهایی بر خورد شود وظایف آنها پس از آن که در قیاس به شرایط مطلوب انحصار گریزگرن در دادند، اعدا مهسا کاهن یافت.

بنا بر آنچه در جهان سرمایه داری می گذرد، میدانست که قاچاق مواد مخدر یکی از رشته های سرمایه گذاری، نظیر سایر رشته ها است، پیوسته در مالک تحت سلطه، از جمله به علت محدود بودن زمینه های سرمایه گذاری

و ساخت دیدگاه توأم با نه قدرت و عوامل دیگر این رشته بسیار پر رونق است.

ویژگی این رشته از "تولید" سرمایه سرمایه دار ایرانی کنونی این است که پس از قیام بهمین، و از بسبب رفتن قدرت سیاسی سرمایه های بزرگ (منجمله در رشته قاچاق مواد مخدر)، سرمایه های متوسط به این رشته هجوم آوردند و "کار" خویش را در دست بخشدند. دستگاه شهرهای که حتی کار آئی سابق خود را نیز از دست داده بود، نمایی توانست مانع این رونق شود. و ظرف مدتی کوتاه به اینبابت سرمایه سرمایه دار این بخش اقتصاد سرمایه داری، و تنها مبادی سرمایه خورگی جوانان و سایر عوامل فرهنگی ارضیه رژیم پیشین که زمینه ساز رشد مصرف مواد مخدر بود، "کار" در رشته مواد مخدر اسناد عظیمی به خود گرفت و بدین گونه بر این رشته نیز همان هرج و مرج و آشفتگی سایر رشته های اقتصادی کشور، حاکم شد.

انبوه سرمایه های سرگردان که پس از برور شدت رکود اقتصادی راهی برای سود آوری نیسی یافتند، به این رشته هجوم آوردند حتی بخشی از بورژوازی صنعتی به این ترتیب به "بورژوازی لومین" تبدیل شد و به کمک انبوه نیروی کار بیگانه و بیگانه شده برای شرکت و عوامل مساعد فرهنگی - روسی، شبکه قاچاق را گسترش فراداد. اینک علاوه بر قاچاق تریاک و هروئین و سایر مواد مخدر، تولید و توزیع انواع مشروبات الکلی و توزیع انواع سیگارهای خارجی و طاهرا "ایران" (بهمین "آزادی") نیز بر قلمرو قاچاق مواد مخدر افزوده شده البته این رشته را نیز در اقتصاد دیده اند. البته قاچاق قرار داشت، منتهی در شرایط زمین رکود و بیگاری، بر تعداد واسطه ها و کارگزاران این رشته ها افزوده شد و خود عاملی برای ظهور تورم در متن رکود اقتصادی شد. البته با بد توجه داشت که در یک تحلیل گسترده نت میتوان توزیع احتکار گران به بسیاری

کالاها مورد مصرف عمومی یا دگر دگرگسیسه املاها "احتکار" میده میشود و در واقع بخش قاچاق را تشکیل می دهند. دامنه هجوم سرمایه های سرگردان و عاقل به بخش قاچاق چنان رشد یافته که به قول مسئول شرکت دخانیات اکنون - سیگار و بیستون که هر بسته آن به قیمت ۲۰ ریال تمام میشود، به قیمت حدود ۳۰۰ ریال در اختیار مصرف کننده قرار میگیرد و بیسیار سیگار رسوینی بهمین که توسط خود شرکت به بهای بسته های ۷۰ ریال با بد در اختیار مصرف کننده قرار گیرد، به اعتراف خود مسئول شرکت دخانیات، به دوونیم برابر قیمت اصلی در بازار فروش میرسد. در روزنامه ها که نگاه خوانندگان ساده دل - شکایت میکنند که چرا سیگار بهمین در همه جاور به قیمتی هست، الادر ما رها و به قیمت رسمی، و با سطح مسئولان به این نکات ها، استمداد از قاطعیت انقلابی آباء الله خلخال است! اجرا - و با لاف بخشی از آن -

در این مورد اینست که "دستهای پنهان" که همان واسطه های سستی سیگار هستند، در این آشفتگی از اقتصاد و محدود شدن سایر زمینه های سوداندوزی، ترجیح می دهند به جای قناعت به حق دلای مرسوم،

میگارا به واسطه های دیگر بفرشند و بسا چند در دست به دست شدن کالا، قیمت آن به ایما در سرمایه و رکونی می رسد. حتی بعضا معازده داران نیز که از توزیع بیساری از کالاها به علت دولتی شدن توزیع و بیفدان و کمبود کالا، محروم شده اند و در امتدستان کاهش یافته، کاهش در آمد خود را از این راه جبران میکنند. (آنچه در مورد سیگار گفته شد با بعضی تشاوشها در مورد سایر کالاها شیکه در بعضی دستفروشان دیده که - داران موجودیافت می شود، اما در معازده ها از آن ها آئی نیست، نیز مصداق قرار د) رشد شکست اورقا چاقی چه در زمینه های "سستی" (که گاهی بیش شامل کالاها یعنی عا رنظرا خلای مرسوم جا معه میشود) و چه در زمینه های جدید (شامل معاملات احکامی کالاها) مصرف عمومی، یکی از جلوه های رکود - تورم عارض بر اقتصاد است. و تنها راه آن است. و خود این پدیده نیز به قاچاقی مواد مخدر - از ویژگیهای نظام سرمایه داری است که در سوای سود، هرگز پروای از هیچ منج - انسانی و اخلاقی ندارد. و تنها در نظام سوسیالیستی است که به علت طلب مالکیت از سرمایه های بزرگ و متوسط، قاچاق به عنوان یک رشته اقتصادی محو میشود و زمینه های اجتماعی اعصاب دبه مواد مخدر نیز از میان میبرود.

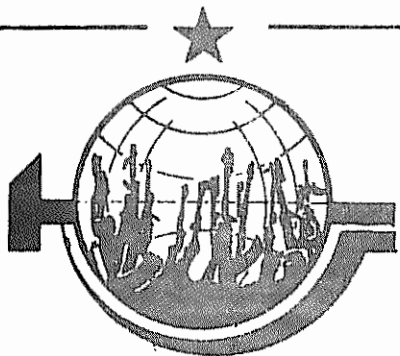
اما آنچه در این میان معضک است - نحوه رویا روشی مسئولان حکومتی نسبت به قضیه قاچاق است آنان چنان که از یک دیدگاه تنگ نظرو بصت به افشار عقب مانده جا معه میتوان انتظار داشت، به برخوردی محدود و اخلاقی، بدون درک علل اقتصادی پیدایش و رشد قاچاق و زمینه های حتمی اعتبار د، هر جا که با یکی از جلوه های حتمی فسیه روبرو شدند، دست به دامن قاطعیت انقلابی آباء الله خلخال می شود. اما درک این واقعیت که در شرایط حکمرانی قاطعیت خلخال وارد مواجبه با مسئله مواد مخدر، محموله های ۴۰۰ کیلو هروئین کشف میشود به همین مناسبت برای مبارزه با گران فروشی کالاها ای مصرف عمومی و از جمله قاچاق سیگار بسیار به همان اما مزاده ای متوسل میشوند که عده کثیری از قاچاقچیان بر خوردش را - کشت، اما منتوانست و نمی توانست درد - قاچاق و اعضا را شفا کند.

زیرا چنان که گفتیم ریشه قاچاق در - متن نظام سرمایه داری نهفته است و تنها از میان بردن سرمایه های بزرگ و متوسط برقراری اقتصاد با برنام و کنترل کردن سرمایه های کوچک و سوق دادن آنها از طریق نما و نیها به رشته های مفید اجتماعی و از طرف دیگر، استقرار فرهنگ نوین و امید آفرین سوسیالیستی است که میتواند - ریشه های این رشته اقتصادی "سرمایه داری را از بین ببرد. اما از دید مسئولان حکومتی و از جمله مسئول شرکت دخانیات قضیه ساده سر از این ها است: عده ای فرصت طلب و قاچاقچی تحت عنوان بیگاری دردت به عرضه سیگار به قیمت بالا میکنند: و برای مبارزه با این فرصت طلبان و قاچاقچیان و بیگاران - با بدیه جوخه های اعدا خلخال سرمایه داری ضلیم داد!



جنبش جهانی

کارگری - رهائینبخش



وام ۴۰۰ میلیون دلاری نیکاراگوئه از -
"با بانک جهانی و" بانک توسعه آمریکا
مرکزی، فر لحظه، با خطر و تشویش از سوی
آمریکا روبرو میباید شد چرا که آمریکا در هر
دوی این بانکها دارای حق تصمیمگیری
در مورد کشورهای وامگیرنده میباشد. در
کنار تمام این توطئهها، دولت آمریکا
کمک سالانه ۱۰۶ میلیون دلاری خویش را
به بخش خصوصی اقتصاد نیکاراگوئه داد
میدهد چرا که در حال حاضر سرمایه ملی کار -
شکنی در پروژههای اقتصادی دولت انقلابی
نیز همین بخش خصوصی است.

یکی از عملکردهای اصلی دولت انقلابی
افزایش توانایی نظامی می باشد. هرگز از
خلق و نیز حفظ آزادی دگر رزمی ۱۰۰ هزار عضو
"میلیتاریستی" توده ای "میباشد. چرا که خطر
تجاوز نظامی بطور مداوم از سوی این کشور
را تهدید میکند. حال چه بصورت مداوم
نظامی مستقیم آمریکا از سوی دریا، هوا
حمله گاردا سبک سوموزا که در هندوراس -
منقر است و بصورت تجاوز از ارتش
هندوراس، اعضای گارد سوموزا پس از قیام
پیروز منتهای نیکاراگوئه به داخل خاک
هندوراس گریختند و سپس به خارج میباشیم
آمریکا با دریا بیگانه های نظامی آمریکا
و با در خاک هندوراس تسلیمات ویژه -
دیدند. واکنش با تجهیزات کامل در مرز
هندوراس - نیکاراگوئه مستقر و هر لحظه
آماده حمله به خاک نیکاراگوئه میباشد.
اینان تنها طی ۲ ماه اول سال ۱۹۸۰ ۱۲۰
بورش به منظور غارت بانکها و موسسات -
دولتی و قتل ساندینیستها انجام دادند.
هم اکنون مداخلاتی میان فرماندهان
گارد سبک سوموزا و ارتش هندوراس پس
حضور ساندینگان آمریکا در جریان است تا
در مورد چگونگی حمله به نیکاراگوئه تصمیم
گیری گردد.

السالوادور: در راه پیروزی

مکامی
که در اکتبر ۱۹۷۹، در پی یک کودتای نظامی
حکومت ژنرال رومرو سرنگون شد و یک -

صفحه در ص ۱۴

اعتدالی جنبش رها ئینبخش خلقهای آمریکای مرکزی

وتوطئه های امپریالیسم آمریکا

از چگیری مبارزات چریکهای انقلابی
و حمایت گسترده توده ها از آنان در سالوادور
و نیز تنها دو وسیع نیروهای انقلابی و آغاز -
مبارزات مسلحانه چریکها در گواتمالا،
بخش شرقی آمریکا مرکزی به گوانون بهرانی
سبز بدل گشت. امپریالیسم آمریکا کدو
سال قبل با سرنگون شدن دیکتاتوری سوموزا
در نیکاراگوئه یکی از زاندارانهای مزدور
خویش را در منطقه زدن دست داد. اکنون در -
صدادست تا همگام با بهرانی ترشدن اوضاع
این منطقه، حضور خویش را چه مستقیم و چه
غیر مستقیم در آن افزایش دهد. بدین
منظور از سوی دولت انقلابی نیکاراگوئه
را با تحریم اقتصاد و تسخیرات مرزی تحت
فشار قرار میدهد، در السالوادور گواتمالا
که درگیر ناآرامیهای داخلی میباشد به
تلقین ارتش و نیروی مستقیم تیک انقلابیون
میباید زده و هندوراس را نیز گوازلحاظ -
جغرافیایی در سرگرا این گوانون بهرانی
واقف شده ولی هنوز "آرام" است. بهمنوان
زبانم منطقه برگزیده و به تجهیزات و تسلیح
ارتش آن میپردازد. از سوی دیگر در گواتمالا
که در حد اکثر منطقه را در تصرف نظامی
خویش قرار دهد، تا در صورت کارگر نشدن
هیچیک از توطئه های فوقی و آدامه و اروج -
گیری ناآرامیهای منطقه، خود نیز مستقیماً
در عملیات سرکوب شرکت جوید.
اکنون با نگاه به گواتمالا به اوضاع داخلی
هر یک از کشورهای فوقی، به جمعیندی سیاست
کلی امپریالیسم آمریکا در این منطقه می
پردازیم.

"جبهه رها ئینبخش ملی" فا را بوندوما رتی
(۳۰.۸.۸۰) که اکنون درگیر نبرد با خونخوار
نظامی ها که بر السالوادور است، "خیرا"
فاش ساخت که ارتش السالوادور قصد دارد
تا با مداخلت آمریکا و ارتشهای گواتمالا
و هندوراس، ضد حمله ای گسترده و همه جا نیمه
را علیه انقلابیون السالوادور به اجرا در
آورد.

بخش شرقی آمریکا مرکزی که تا قبل
چهار کشور گواتمالا، هندوراس و السالوادور
و نیکاراگوئه میباشید از اهمیت اقتصادی و
استراتژیک فراوانی برای امپریالیسم
آمریکا برخوردار است. مداخله اقتصادی
شرار این کشورها برای آمریکا عبارتند
از: نیروی کار ارزان که در بخش کشاورزی
تحت استثمار رانحصار است و منحصراً
آمریکایی است، کالاهای صادراتی ارزان
از قبیل قهوه، پنبه و شکر که عمدتاً روانه
آمریکا میگردد، منابع نفت آن که در اختیار
آنحصار است. نفتی آمریکا میباید شود و نیز
با زار بکر برای به جریان آستان سرمایه
های امپریالیستی، اهمیت استراتژیک
ویژه این کشورها نیز به سبب آنکه ایستادن
کشورها بر سر راه آمریکا به امریکای جنوبی
قرار داده و آمریکا برای حراست از ناآرامی
اقتصادی و حمایت از مزدوران خویش در -
آمریکای جنوبی با پیدایش این منطقه عبور
نمایند غیر قابل انکار است.
در ۱۹ ژوئیه ۱۹۷۹ به رهبری "جبهه رها ئینبخش
ملی ساندینیستها" (۳.۵.۸۰) و به دنبال آن

نیکاراگوئه از سد رسته

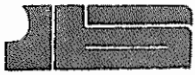
بخش ملی ساندینیستها " (۳۰.۸.۸۰) که در پی
وعدت اکثر نیروهای انقلابی نیکاراگوئه
تشکیل شده بود، در دسامبر ۱۹۷۴ با انجام
یک حمله مسلحانه به منظور آزاد ساختن ۱۴
زندانی سیاسی در بند سوموزا، روحی تازه به کالبد
سپار زده مسلحانه چریکی در این کشور مید.
این حمله، نقطه آغازی بود برای حرکت به
سوی دوهدف اساسی جبهه یعنی برقراری -
ارتباط با توده ها و ترویج تبلیغ ایده های
انقلابی در میان آنان از یک سو و تربیت
چریک حرفه ای از سوی دیگر.

پیروان ساندینیست که سال در راه -
رسیدن به این اهداف کوشیدند، در ۱۹ ژوئیه
۱۹۷۹، دوشاموا چرخشان خلیس
دیکتاتوری سوموزا را سرنگون ساختند و
دولت انقلابی ساندینیستها را تشکیل دادند.
این دولت که با ۴۰ هزار شهید، زخمی و معلول
شدن ۱۰۰ هزار نفر، آوارگی ۴۰ هزار خانواده
به قدرت رسیده بود (کل جمعیت این کشور
در زمان قیام اندکی بیش از ۲/۴ میلیون

نفر بود)، بانک پس از پیروزی قیام خلیس
با مشکل عظیمی روبرو بود؛ اقتصاد دوام
ورشکسته، نیکاراگوئه که طی دوران دیکتاتوری
سوموزا وابستگی اقتصادی شدیدی به
آمریکا، ایستادگی پیدا کرده بود (بیش از
۹۰٪ درات ۷۵٪ واردات این کشور طی این
مدت به آمریکا اختصاص داشت)، در زمان -
قیام موفقی مصیبت با رتزاز همیشه داشت.
چرا که تا نوا ده سوموزا طی آخرین سال -
حکومت دیکتاتوری، بخش مهمی زدارا نشی
خویش را بصورت نقد از کشور خارج نموده بود.
وقابل ذکر است که دارایی این خانواده -
هیچودا "برای برود با کل سرمایه جاری در
مملکت منتهای سرمایه های آمریکا است.
امپریالیسم آمریکا نیز با بهره جویی
از این نقطه ضعف عظیم دولت انقلابی که
برای بازسازی اقتصاد دور شکسته احتیاج
به وام خارجی داشت در تلاش است تا جدا کتر
قتل اقتصاد را بر این کشور وارد آورد:

در زمان اوچگیری مبارزات انقلابیون
در السالوادور، امپریالیسم آمریکا با
عنوان کردن این مسئله که دولت ساندینیستها
حالی چریکهای السالوادور است، کمکهای
اقتصادی شان را به این کشور قطع کرد و نیز

مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رها ئینبخش سراسر جهان



یک ارزیابی کوتاه از ...

بقیه از صفحه ۱۰

وفتی من دکان مرا می بیند ملا "حمید نام
فردا دکانم سرچاپیش است با دزدیده ...
اما بهر حال توده ها از سویی معتقدند
رژیم تنها در صورت فاش شدن آمدن بربرخان
قا در بهار را مه حکومتش است و از سوی دیگر
آنرا عاجز از این عمل میدانند گفته ای که
کا رگری در بحث عنوان میگردن مشترک
اکثر مردم است "اگر اینها میخواهند حکومت
بکنند باید جلوی گران و بیگاری بگیرند
... بنظر من که اینها نمیتوانند جلوی گران
و بیگاری را بگیرند ..."

مطلبی که در اینجا باید عنوان کرد ،
گرایش توده ها نسبت به رژیم نه در مقایسه
با وضعیت فعلی شان است ، این گرایش
که مسلما "بعلت ضعف نیروهای انقلابی
در ارائه آلترنا تیبی در قبال وضع موجود
میباشد ، در موارد متعددی در گزارشات ما به
چشم میخورد ، و با ردیگرو طایف خطیر ما را -
گوشزد می کنند ، وظایفی که هرگونه بی عملی ،
تردید و به هر زدن آنرژوی هرگونه گونا
در رابطه با ارائه آلترنا تیبی انقلابی در
ذهن توده ها به معنای به فراموشی سپردن
آنست ، در گزارشات ما این تمایل به ویژه
در اقشاری چون کارگران کارگاه های پروزی
آشکارا در کارگر یکی از کارگاهها میگفت
"صدر حمت به رژیم شاه ، "فلا"نون و آب داشتم
و دیگری میگفت "سیگار از آن بود ، میوه
هم زهر ما میگردیدیم ، بی موند کم بود که
با شدیم رفتیم مرگ بر شاه گفتیم "یک زن -
زحمتکش خانه دار میگفت "هیچی پیدا نمیشه
نه قند هست نه شکر ، هر چیز هم که هست گران
است ، فقط هر کسی فامیل آخوند داشته باشد
به نفش است ... هرچی باشد زمان شاه خیلی
بهتر بود "فلا" همه چیز پیدا میشد ، هر وقت می
خواستیم می گرفتیم ، ولی حالا هیچ چیز نیست"

اگر شد روحیه اعتراضی توده ها:

همانگونه که بارها و بارها در این سه ماه -
گفتیم و تکرار کردیم سرکوب و خشن ، رژیم
هر چند نتوانست افضای وقت در میانه زبات
توده ها ایجاد نماید اما در شرایط بحران -
حاکم قدر نسبت مابرات توده ای را به رکود
بگشاید مگر به همراه تعدیل بحران - که در
چشم انداز رکنونی از قدرت این رژیم خارج
است - و در همین رابطه نیز با راه چشم انداز
خیزش نوین توده ها را ترسیم کردیم ، جمع
بندی گزارشات موجود بدستی این چشم
انداز را تا شید میکند ، روحیه اعتراضی
توده ها که در مقطعی برای ترسکوب های
ددمتانه فروکش کرده بود با بیگ با گذشت
زمان با ردیگر بروز عملی یافتند و در
حال گسترش و پویایی است ، این اعتراضات
در شکل نطفه ای و پراکنده است اما سکوت
و خفانی که پس از آن خردا در جرمه حاکم
شد می رود که جای خود را به اعتراضات وسیع
توده ها بدهد ، وظیفه پیشرو در این شرایط
سازماندهی و تشکل این اعتراضات و
ایجاد دیپوندبین اعتراضات پراکنده و

هدایت آنها در گمانهای مشکفی بر ضرر رژیم ،
تبلیغ وسیع حول تشکلهای توده ای و پیش
از همه آنها کتیکها بی است که به موانع
موجود بر سر راه بروز این اعتراضات ضربه
وارد آورده امکان بروز پیش از پیش خشم
توده ها را میسر سازد ، نمونه های زیر -
برگزیده ای از اعتراضات توده های در -
حوزه های گوناگون اجتماعی می باشد ،
رفیق را ننده تا کسی در گزارش خود مسمی
نویسد : اکثر کسایک که سوار میشوند (کارمند)
به جودا خل تا کسی توجه دارند ، اگر از ننده
فانلانینا شروع به صحبت میکنند و وقتی
کا ملا" متوجه شدند که خطری آنها را تهدید
نمی کند به رژیم بدو سوار میگویند ، در رابطه
با جریان جیره بندی گوشت این روزها
صحبت زیاد است خانمی میگفت "هگرم
گوشت را اگر گریه بخورد سیر نمی شود" و
در رابطه با زلزله عده ای میگویند "از وقتی
که خمینی با ایران با گذاشت ایران نفیس
شده است ... و رفیق را ننده سیر بر این
مساله تا کیدار دگه "در مورد انقلاب اکثر
میگویند "چه غلطی کردیم که انقلاب کردیم"
در صفتانوائی زن زحمتکشی میگفت
"خانم جون ، خیلی چیزها میگفتند ، میگفتند
آب مفتی ، برق مفتی ، هرچی از زون و فراون
همه حونه دار میشی ، گو؟" همه اش وعده و
وعید بود ، میدونید چرا ؟ چونکه تویر فرادوم
شرکت کنیم و جمهوری اسلامی را انتخاب
کنیم " زن زحمتکش دیگری میگفت "دیگه
چقدر طاقت بیاریم ، این همه فشار بر مردم وارد
میشه ، از این طرف گران و بدبختی از آن طرف
هم به چه ای مردم را این کتافها میگیرند
و میگویند ... دیگه چقدر حرفهایها را باور
کنیم ، صبر و حوصله کنیم ، وادامه داد این
اون با لاشی بگیری تا اون پاشینی شون
اینها فقط بفکر خود شون هستند ... بروها ،
کتافتها از اسرائیل ایله میگیرند صد
میگویند مرگ بر آمریکا ، را ننده بیگن
کا پوسیزی گفت : "بخدا قسم هیچ چیز
نوی خانه نداریم ... حاصرم با همه ندار
قند کیلوه ۴ تومان را ۴۰ تومان بخرم ولی
نیست ، خدا قل آموغ شند ... پیدا میشد
آخه تا سید و نیدایین پدر سوخته با هم
زندانی اون رژیم را میکنند و هم زندانی
این رژیم را " واضا شه کرد : "دیگه از جرم
سیر شد ، نه من همه! حاصرم همین الان منو
بکشند ، دیگه فکرم کار نمی کنند ... آخه چطور
ما در ویدریان عزیزان خود شون را تحویل
این جلادان بدهند ، زن زحمتکشی در صفت
اتوبوس مرضوی - نواب میگفت : "دیگه
جوون برای ما نمونده ، همه را کشتند ... هر
چی بدبخته سر ما با بدبختی ، سر ما طبقه
سه ای ها ، شهیدار ما ، کشته از ما ، صف روغن
از تا ، صف گوشت و تا بدبختی ما ، آجاره
خونه از ما ، جنوب جنگ همیشه سر ما از ما ...
اون پدر سوخته ها ، اون کله کنده های بی
بدر که نمیرن حیه کشته بشن ، داغ فقط بی
دل ما میمونه " وادامه داد : "خدا می داند
که ما نان و طالی روزگاری کرداریم ،
خدا جودش سرفه خاطر ما بدبختی را مسمی
ببند و سرفه خاطر ما ، بولدارها و بر و نمند
- ما را هم می بیند ، "حاصرم سر خرد -
بورزوائی متوسطی در اتوبوس بدبختی
ایستاده رفیق ما را از دسترس آن اخراج -

کرده اند گفت : "آخر این مملکت مگر
اعتیاد به دکتر و مهندس ندارد ؟ جوانهای
مردم را بیچاره رتوی خیابانها ول
کرده اند ، از نظرف کس نیست با من پدر
سوخته ها بگوید : مگر بدی و مذهب هم زور و
اجبار دارد ، هر کس دلش بخواد هدنما زمی
خواند و هر کس نخواهد شنید ، خواند ، یک زن
خرده بورزوا مذهبی میگفت : "مصدق الحق
آدم خوبی بود ، نمی با یست اسم او را از
خیابان بر میداشتند " و بعد از اینکه توضیح
دادیم در سخنرا سی هاپاوتوهین میکنند
اطهار داشت : "شما که منتان سمنی رسد ، آن
سالها که شما نبودید ، آن سالها ای ۳۲ ، کسی
بود که نفت را از جنگ انگلیس در آورد ؟ -
همین مصدق بود ، ما لانبا بدبختی تو همین بنود"
و در نا کسی فردی اظهار کرده است :
ای آقا ، مملکت روی بیچاره گشت بکمه -
اوباش تا رلاتان ، تبخ کش چا فوکش دور میرند
به دین حالیشون اسف ونه مذهب ، یک منت
آدمها شی که تا دیروز شهر نور ادا ره مسمی
کردند امروز در را س مورند ، "بعد از ترور
آیت که شوپوها را به بهشت رهرا فرستاده
بودند ، در میدان منیریه عده ای که مدتها
اسنط را توبوس را کشیده بودند اعتراضی
میکردند ، شخصی (خرده بورزوا) میگفت : "آخ
نیاید اینجوری بکنند ، با بدبختی تعدادار
اتوبوسها را هم بگذارید برای ما ، مثلا من
از باران اینجا پیدا شده ام ، اینکس
نمیباشد ، "خانم ۴۸ ساله (خرده بورزوا) در
تا کسی بعد از شنیدن خبر زلزله در کرمان می
گفت : "ما زبا لایرکت می آید که زلزله و -
سبیل است و هم زبا شین که جنگ و خا سه
خرابی است ، "در اتوبوس راه آهن -
همینا رستان اما خمینی در ردیف عقب چند
نفر (افسر - دانش آموز - کارمند و ...)
مشغول بحث سیاسی بودند ، موضوع همه شان
مخالفت رژیم بود ، در ردیف جلوس نیز یک نفر
را دیوش را روشن کرده و به نطق خمینی
گوش میداد ، مرده ۴۵ ساله کارمند با آزاره
بوی گفت : "رادبوی تلویزیون را آچاره
کرده اند ، از صحنه شب حرف میزنند ، "بقیه
با خنده تا شید کردند و چند نفری هم زیر لب
غرغر کردند .

آ توده ها و حاکمیت :

تا قبل از بهر
کناری سنی صدر میتوان گفت با وجودیکه
تا حد زیادی توهم توده ها نسبت به رژیم
فروریخته بود اما هنوز چشمه با لادانتند
و بسیاری از آن امید خود را به سنی صدر
سند بودند ، بهر رو قبل از برکناری سنی -
صدر محور حسیها ی بوده ها بر ما دها یدروم
رژیم سوار بود ، اما بکیا رچه ندن رژیم
و قبضه کامل قدرت بدست حزب جمهوری -
اسلامی و همچنین بیبا مدهای این مساله
یعنی نیکه کامل رژیم بر سر سریره ، فرو -
ریختن توهم توده ها را بسیار سریع کرد ،
اعدامها ، خانه گردیها ، تفشهای خاسانی
کساروتنوروسرکوب و همچنین عمر رژیم
از با حگوشی نه مسائل اقتصادی سواد
برسد آکا می آسان با شرسرانی سواد
است ، برخلاف سابق استک حسی سواد
آخرین مهر رژیم به میدان آمده است ، هاله

از جنگ ارتجاعی زحمتکشان بیزارند دو میلیون آواره، نان، مسکن ندارند

یک ارزبایی کوتاهاز ۰۰۰

بقیه از صفحه ۱۱

مقدستی به کناری رهنه وجهر سرکوبگرش از پس فتواها و دستورات عیان شده است . به همین علت نیز توهم نسبت به او بسوخت زدوده میشود اینک به درستی میتوان گفت مأمور بخشهای توده ها نسبت به حاکمیت در مورد خمینی است . و ذهیمات آنان نسبت به او دچار رتقیبرات اساسی شده است . در این میان فتاوی خمینی مخصوص دستور - انش در مورد جاسوسی نقش بسزائی بسازی کرده است .

پدربیک خانوادهد مذهبی خرده بورژوا - میگفت : " در قرآن آیه است که همما په پسه گار همما په نسا پده دخال ت کندونسا پد درکار یکدیگر نفیولی بکنند ولی خمینی میگفت این تکلیف شرعی است . زن خانه داری - میگفت : " خمینی اول گفت زنتان برای شما حرام است . ها لاهم میخواستند مرد را بسه جان یکدیگر بهیا نداد . " مردی (خرده بورژوا) اظهار میداشت : " خمینی دارد عقلش را از دست میندهد . یکبار میگوید زنتان حرام است . یکبار میگوید همما په تان را لیسو بدهید . آخر من حظوری میتوانم همما په ای را که سالیان سال است می شناسم لو بدهم دوزن خانه دار زحمتکش در مرحله مالک اشتر ضمن صحبت با یکدیگر میگفتند : " منی نداد که من خانه شما را موا طلب با شم بپریم کی میاد کی میره . مکه من فصولم " و دیگری در جواب میگفت : " آره به خدا من حتی روم نمیشه وقتی یک نفر به خانه شما می آید - بهرسم کی بودتا چه رسد با اینکه بخوا هم جا سوسی کنم . " مرد خرده بورژواشی که طرفدار بنی صدر است میگفت : " سرعا تمیخوان او را (خمینی) ریاسی داد . برا که ریاسی مردم را را ناده میکند . او با خرافات مردم را فریب میدهد . سرعا " هو سدا رد رای مردم را ناده بکیرد و حرف خودش را پیش ببرد و کسی را که طرف مردم استغاب کند . اگر اوربانی است چرا بمردم نمیگوید که من هم مثل شما هستم . فرقی با شما ندارم . برایسم

اسلوات نفرستید . با دست و عبا و لبا بی مرا بهخون تبرک نبوسید . . . اگر او واقعا " - ربانی و اسلامی است چرا مثل شاه عمل می کند . پس فرق او با شاه چیست ؟ چرا از بهشتی و نسا ده های فدا نقلایی مثل بسیج مکتبیسه جها دوسپا هصا بت میگردو میکند . " کا رگسر صنا بیح فلزی در یک قهوه خانه میگفت : " مگر خمینی نگفت که دولت با زرگان دولت - اما زمان است . با مگر خمینی بنی صدر را فرمانده کل قوا نکرده بدهم زا و گرفت . من تا امروز که اینکار را نکرده بودوی را قبول داشتم ولی با این کارش دیگر قبول ندا رم (وی بنی صدری نیست) . پس فردا هم اگر رجائی کار خلاف او انجام داد . بصورت خمینی کتا ر میبرد . یعنی همه برای او بهره هستند . " زن زحمتکش میگفت : " خمینی بارها گفته که من اشتباه کرده ام . آخه چند بار - اشتباه . بیشتر از شاه جنایت کرده . جوان های پر دم را کشته است . " در یکی از کارخانه ها - جات کارگران سخنرانی خمینی را مضمونه کرده و میگفتند : " بعد از ۳۱ مصطفی ، مصطفی گفتن ، هیچکاری برای ما نکرده است . فقط حرف مفت میزند که ما را گول بزند . " زنان کارگر در راه با لایحه قصاص با نفرت و انزجار میگویند : " خمینی این همه از حق زنان حرف زد ولی در عمل ایسن چنین قانون می نویسد . و خانم کارمند ۴۷ ساله ای که لهیانس علوم اجتماع و رئیس قسمت یکی از ادارات دولتی است در جمعی از کارمندان میگفت : " بفل غوغه ما یک خرابه است . یعنی دارم نگزارش کجا بشنم - با بدبختی بدهم . مردیکه ترو بیچر دالت میکند . " در میان کسانیکه هنوز توهماتشان نسبت بوی نریخته نبرزن نشانهائی از عدم اعتماد بوی دیده میشود . زن خرده بورژوا متوسط سنتی در تویبون میگفت : " آدم اشتباه می کند . حتی آقا هم مکان اینکها اشتباه بکنه ؛ وجود دارد . چنانکه دیدیم به بنی صدر با چند تا حرف و سخنرانی اعتماد دکرده . . . حالا - امید ما ن به همین آقا است . اگر آقا نب - چکا ر میگردیم . از این حرفها گذشته هر کس با بدحجاب بهشت و جهنم خودش را داشته باشد که اشتباه نکند . " در بعضی از کارمندان گرا بیئات محافلها کارانه ای نسبت به رژیم

و شخص خمینی وجود دارد . کارمند مسنی می گفت : " هنوز خیلی ها پشت خمینی هستند . من دوستانی دارم که اصلا " اینها را قبول ندا رند . ما رفتند برای دادند . از شون می پرسیم شما که هیچکدام اینها را قبول ندا رید چرا رای دادید ؟ میگویند چون اما م گفته تکلیفه . ما رای سفید دادیم . " و کارمند ۲۷ ساله یکی از ادارات میگفت : " من از اولش هم هیچوقت با خمینی موافق نبودم . ولی اینکها مجا هد بین اینطور بیه خمینی می پرسند هم در شرا بط فعلی که مردم همه طسرف اینها هستند درست نیست . " اکثر گزارشات حاکی از اینست که توده ها عمرا بین حکومت را طولانی ندانسته و - سرنگونی آن را نزدیک می بینند . این امر بویژه در نزد کارگران مشهود است . و برای رژیم عمری بین چند ماه تا ۲ سال را منظور هستند . بطور کلی اعتماد دغویخ را نسبت بوی ز دست داده اند . همچنین در اغلب موارد رژیم جمهوری اسلامی را با رژیم شاه مقایسه کرده و در نهایت رژیم سابق را بهتر ارزیابی میکنند و تما بهلانی نسبت با ن از خود نشان میدهند که بوی زاین تمايلات بسیار خطرناک است . خانم خانه داری که مذهبی سنتی است بدنیال خانه گردیدها در یکی از شهرستانها میگفت : " فکر نمی کنم اینها با بدانی باشند . " را ننده گرا به میگفت : " دیگه چیزی بمسیر این حکومت باقی نیست . هما نظور که شاه را فراری دادیم . خمینی را نیز فراری می دهیم . " کارگر بنیظرا ورا اظهار داشت : " اینها نا بودندنی هستند . با این کارها بیکان شا شاه را هم سفید کرده اند . اینها را باید تما " گشت . . . الان دارند با مذهب و جنگ و اسلام حکومت میکنند . با ورگن اگر جنگ - شهردا اینها سرنگون شده بودند . " زن خرده بورژوا هسالا ای میگفت : " مدرحمت بدوره شاه . شاه اصلا " اینطوری نمی گشت . زندانی میگرد . اما این بی پدرها هر کس را شب میگیرند صبح میکشند . " کارمند ۲۶ ساله اظهار داشت : " صر حجت به شاه . اصلا " بگیرت و میا نداشت زندان . خدا قل بیک محاکمه ساختگی بودیا اینکها مدتی شکنجه میگرد . اینها شب میگیرند و صبح عدا م می کنند . "

ادبیات

بازسازی و گسترش

بیشتر مقاله ۰۰۰

بقیه از صفحه ۶

میکنند که کاملاً از محیط خود بسا بزو - انگشت نما میگردند . اولین و اصلی ترین رکن مخفی کاری حل شدن در محیط و استتار توسط عوامل محیطی است .

۴- با پدید آمدن هر چه تما رر عنوان بیک وظیفه داشمی امر تصفیه را به پیش برد . تصفیه به معنی آنست که همواره - و حداقل در هنگام رفتن به محل های تشکیلاتی سرفرا رو . . . از اینکه تعقیب نمی شویم مطمئن گردیم . این عمل شیوه های گوناگون د اردولی عبور از کوجه های پریچ و خم سوار


- ۱- بیاید شدن سریع تا کمی و روشهای دیگری از این قبیل میتوانند در این مورد بکار - گرفته شوند .
- ۲- از هرگونه حمل و نقل بصری دور بپرهیزند ؛ هرگونه حمل و نقل با بدبخت توجیه و پوشش مناسب انجام گیرد .
- ۳- هرگاه قرارها دقیق و کاملاً دقیق اجرا شود مکان معطل شدن سرفرا رودر نتیجه لورفتن به حداقل میرسد .
- ۴- بسپاری از رفقا و هواداران بعلمت شکل ظاهری خود لو میروند . در پوشیدن لباس و سرو وضع ظاهر خود دقت کافی کنید .
- ۵- به نکات ظریفی که جلب توجه میکنند بسپار . توجه کنید مثلاً " به بسیج یک منطقه گفته اند کسی را که مداوم به ساعتان نگاه میکنند تعقیب کنید . . . "
- ۶- در محل زندگی رعایت غایبی بودن - کار ملروابط و رفت و آمد ها را بسنما شید

مثلاً " در محلاتی که تما م مردان فروروز سرکارت رفقا ی پسر در خانه ما ندنشان و بیارفت و آمدندا و مشان در آن ساعات قابل توجه نیست و . . . بهررو با بدبختی کید کرد رعایت مسائل امنیتی و اصول مخفی کاری در عین لزوم و ضرورت تنها با بذل کمی دقت و بکارگیری ابتکار میسر است با بددر میان توده هسا زحمت و در میان آنان نیز مخفی شد .

دو تکثیر

و توزیع آثار

سازمان بکوشید



آزادی سیاسی تأمین باید گردد شورای انقلابی ایجاد باید گردد

ارگان سازمانی و نقش آن (۴)

مبارزات خود را حول ارگان سازمان - نشریه کار - سازمان و همیم

در شما ره پیش گفتم که نما می تشکیلات دووظیفه عمده و مهم در رابطه با ارگان بسر دوش دارد و آن فرا دادن نیرو و توان خود در خدمت تشبیه و توزیع ارگان میباشد. اینک به بررسی هر یک از این مقولات میپردازیم.

تشکیلات در خدمت

توزیع ارگان سازمان: ارگان عمده ترین کاتال ارتباطی سازمان با تشکیلات، هوادار را نوتوده های پیشرو است. و از این رو نیز با بدبیشترین تلاش در رابطه با توزیع آن اختصاص داده شود. تمامی تشکیلات تشکیلاتی با یکدیگر خدمت این امر قرار گیرد. دقت کنید هرگاه تمام می رفقاً توزیع کار را یکی از وظایف اصلی خود بشمارد و این کارها است که میتوان اطمینان یافت با ارتباطات موجود سازمانی و با پیوند واقعا موجود سازمانی با نوده ها، اقبان روسیسی از طریق ارگان با سازمان پیوند خواهد یافت. آنکه است که هر رفقاً کارگر کارخانه خود را از نظر توزیع ارگان تا مین میکنند، هر رفقاً کارمند سطح اداره خود را میپوشاند. هر دانش آموز در مدرسه خود ارگان را بدست و سیعترین طیف خواهان ارگان میباشند و در هر روستا هر رفقاً روستائی با هر معلم و با هر محمل ارگان را در وسیعترین سطح توزیع میکند. رفقاً، اینها ایده پردازی و ذهنیگری نیست بلکه مسائلی است که با بدیهه و اطمینان بدل شود، وظایفی است که با پیدا نجا میگرد. و در غیر این صورت نمی توان از گسترش پیوند با نوده ها، از گسام برداشتن در جهت تشکیل حزب و... سخنسی بر زبان راند.

لنین میگوید "خرده کاری به تشکیلاتی کافی نیست و کار عمومی و منظم و فعال کلیه مراکز برای یک ارگان انقلابی ضرورت دارد" (لنین) - با سخنی یک خواننده - اینک شما ره ۱۶ ببله رفقاً، ما میدانیم که شما بسیار تلاش میکنند علامه بخش میکنند مواضع سازمان را به میان مردم میبرید و... اما میگویند اینها کافی نیست. گسار خود را در ارتباط با ارگان سازمان دهید. وظایف خود را حول محور منسجم نمائید. زیرا این مساله اهمیت بسیار دارد. لنین در "چه باید کرد" تصریح میکند "تنها وظیفه توزیع روزنامه بخودی خود نمیتواند یک رابطه واقعی ایجاد کند و این نکته ای است که باید برای بیای فرد، از سوی شما تمام می گمانی که بنکلی ارگانیک، دانشی و مرتب نشریه را در یافت میکنند (از رهبر طریق) دارای ارتباطی واقعی با سازمان هستند زیرا اولاً محور محاسبات سیاسی - ایدئولوژیک، محور تعیین ناکنشها و

حرکات سازمان و عمده اخبار و گزارشات در کار منعکس میگردد و هر رفقاً هر هم وطن با بدست آوردن نشریه ارتباطی واقعی با ایده ها و مبارزات سازمان خواهد داشت. و از سوی دیگر این ارتباط خود بصورت یک کاتال جهت انتقال نظریات، اخبار، گزارشات و کمکهای مالی عمل میباشد. در عین حال که از این طریق میتوان نیروهای سیاسی را بسج کرد، بحرکت در آورد به نفع مبارزات فراخواند و حتی به آنان فرمان قیام داد.

بله آن شبکه وسیعی که در پیرامون هر رفقاً در گردا گرد هر هوادار وجود دارد - کلیت خود - در صورتی که اهمیت لازم تشکیل آن درک شده باشد - قادر است به شبکه ای جهت بسج توده ای و قیام بدل گردد "شکاف از عا ملین که ضمن کار برای ایجاد و انتشار روزنامه عمومی بخودی خود تشکیل میباشد. احتیاج چند روزه ایست که "بنشینند و منتظر نباشند" که شما رفقاً مداده شود، بلکه کار منظمی را انجام میدهد که در صورت قیام احتمال کلی موفقیت را برای آن تضمین نمائید. این همان کار نیست که هر رفقاً حزب را هم با وسیعترین توده های کارگری و هم با تمام قشرها شبکه حکومت مطلقه نا خنودند. محکم خواهد نمود. این همان چیزی است که برای قیام ما اهمیت بسیار دارد" (لنین)

چگونه باید ارگان را توزیع نمود؟ تنها درک ضرورت توزیع وسیع و همه جا نشی ارگان بعنوان یکی از وظایف اصلی هر رفقاً کافی نیست بلکه با بدیهه شیوه های آن آشنا شد و تدارک لازم برای این عمل را دید. در توزیع نشریه با بدیهه مثل مستعدی را در نظر داشت. از سویی با بدیهه است که نشریه در کجا و بسج چه افسا و طبقاتی توزیع گردد. اهداف روزنامه های سوسیال دمکراتیک توزیع آنها را آسان میکنند. محله ای صلی که روزنامه ها با بدیهه بطور منظم و در مقدار زیاد تحویل شود مراکز صنعتی شهرها و شهرکهای صنعتی و بخشهای صنعتی شهرهای بزرگ و غیره میباشد (یک مساله مهم - لنین کلیات جلد ۴) با دقت کافی برای این رهنمود لنینی و با درک صحیح وظایف ارگان بروشنی میتوان دریافت که نشریه در کجا و در بین چه کسانی با بدیهه توزیع شود. مسلماً تا گید بر کارگران به معنی نفی توزیع نشریه در بین سایر اقشار و طبقات نیست بلکه به معنی توزیع منظم نشریه در وسیعترین بخش ممکن در بین کارگران است. با بدیهه توزیع در "شمال شهر" را که عمدتاً ریشه در ارتباط طبقاتی و عاقبت طلسمی دارد کاتال کننا رفته اند با بدیهه کارگری، صنایع زمینکنشین و... را وسعاً و تعدیه نمود. دیگر با درک این مساله انتقال

توزیع و با فتن را آن هر چند مشکل است امکان است. بقول لنین "در عمل کارگری که در آن محل زندگی میکنند شرایط و وضعیت را به بهترین وجه می توان سروسدها راه مختلف برای خام کردن پلیس میداند" (همانجا) اینک در عین تا گید بر کارگری و علاقه مند و ابستکار و اتحاد شیوه های نوین در رابطه با شرایط مشخص سه وجه از شیوه های توزیع را که در شرایط فعلی عمده است نام میبریم.

۱- توزیع دست بدست:

در شرایط کنونی این شیوه میتواند شبکه وسیعی ایجاد نماید و تیراژ وسیعی از نشریه را توزیع نماید. رفقاً و هواداران با بدیهه جدید در این جهت کوشا باشند. هر رفقاً با بدیهه پیرامون خود شبکه ای از افراد را شناسایی نماید که میتوان با یک ارتباط نیمه علمی نشریه کار را به آنان داد. تنها مشخصه این افراد با بدیهه این باشد که پلیس نباشد یعنی در شرایط فعلی با بدیهه احتیاط کافی از افراد فاش طرفدار رژیم، وابستگان نیروهای سرکوبگر، اکثریتی ها و نوده ها و... مسلماً رنجبرها، ساواکها و... بر حذر بود. برای بردن نشریه میتوان توجهات متعددی بکار برد. دوستی دارم که دوستانه برایم می آورد یکی را به توصیفم - "دکه دار" می شناسم که می توان اسم را بگیرم و... با این شیوه میتوان تمام افرادی را که ما بیلند سخنان ما را بشنوند در محل کار، فامیل، دوستان و... تعدیه نمود. با بدیهه این افراد تا گید کرد که در این مورد کسسه نشریه را از چه کسی میگیرند سخنی نگویند. با این عمل مسلماً هر رفقاً با گمش کوشش و مسلماً بسیازی احتیاط - قادر خواهد بود تعداد قابل توجهی نشریه را در هفته توزیع نماید.

۲- توزیع محلی:

با بدیهه در محل زندگیمان و با در محلات دیگری که با آن آشنا می گمان و با محل قدیم زندگی با... خانه ها میباشند مشخصات ذکر شده در قسمت (۱) یعنی خانه های شما می باشد که ما بیلند سخنان ما را بشنوند شما می گمان و مشکل کاتال مخفی در اماعات مناسب برای آنها نشریه بستاند رژیم. این نکل از توزیع از بدیهه سیاسی برخوردار است اما با بدیهه کرد و اولاً این عمل کاتال مخفی و در صورت امکان دوباره نشریه اسام شود. دوماً تا بدیهه مرتب بخود گید به معنی هیچگاه در یک روز همین در هفته مسا بدیهه اسام شود و حتی می توان گامی دو هفته یک بار هر دو نشریه را توزیع نمود و...

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیش از مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران

اعتلای

جنبش رها نبخش ...

بقیه از صفحه ۹
خونستای نظامی (دولت نظامیان) اختیار مورراد دست گرفت. آمریکا از بر سر کار آمدن حکومت جدید استقبال کرد. چرا که به گمان امپریالیسم تنها کنایه گذاشته شدن ژنرال رومروی دیک - نورکافی بود تا آتش خشم و اعتراض توده ها را خاموش کند. حتی اگر حکومت جدیدی که بر سر کار می آمد، به همان اندازه سرکوبگر و چنانکه بود. خونستای اول به دلیل وجود تمایلات اصلاح طلبانه در میان اعضای آن منحل گردید. خونستای دوم در فوریه ۱۹۸۰ تشکیل شد. خونستای نظامی و طبقه داشت تا نخست نیوی - های انقلابی را کاملاً سرکوب و منهدم نماید و از این پایه مبارزه را در منطقه خفه سازد و آنگاه در محیطی آرام یک انتخاب با ت به ظاهر دمکراتیک را در جهت استقرار یک حکومت غیر نظامی و حافظ منافع امپریالیسم برقرار نماید.

اما محاسبات آمریکا اشتباه از آب درآمد. در پی اتحاد گسترده چریکهای انقلابی و تشکیل جبهه رها نبخش ملی فابوندو ما رتی، انقلابیون در ژانویه ۱۹۸۱، علیه خونستای حاکم، اعلام "تفاهم عمومی" نمودند. ارتش ضد حمله را به قصد سرکوب سریع و گامی چریکها آغاز کرد. ولی با حمایت وسیع توده ها از انقلابیون، نبرد به درازا کشید و زرمندگان مجال یافتند تا در حین مبارزه به بسیج سوا زماندهی نیروهای تازه نفس بپردازند و از این راه، نتایج بیشتری کسب نمایند. از سوی دیگر، جبهه دمکراتیک - انقلابی (F.D.R) که طیف وسیع اتحادیه های کارگری، دانشجویی، انجمنهای صنفی،

و گروههای وابسته به کلیساها را در بر می گیرد، نیز به حمایت از "تفاهم عمومی" و اعتصاب سراسری که در پی آن انجام شد، برخاست. یک ماه پس از آغاز اولین مرحله "تفاهم عمومی" که با پیشروی مداوم انقلابیون همراه بود، آمریکا که در پی فتنه بود، دخالت وی برای سرکوب جنبش ضروری است. پیشاپیش در صد توجیه چندین خالتی برآمده سازمانها جاسوسی سیا (C.I.A)، در فوریه ۱۹۸۱، یک سری مدارک جعلی مبنی بر ملاقات رهبران

"جبهه رها نبخش ملی فابوندو ما رتی" با مقامات کشورهای کوبا، نیکاراگوئه و ... را تحت عنوان "سند سفید" استناد داد. و در پی آن اعلام داشت که چریکها تنها وسیله اسلحه خویش را از کشورهای خارجی دریافت میدارند و عملیاتشان نیز از داخل خاک کوبا و نیکاراگوئه رهبری میشود.

با چنین مقدمه چینی بود که سبیل کمکهای نظامی امپریالیسم آمریکا بسوی لسالوادور سرازیر شد. لسالوادور پس از جنگ جهانی دوم کاملاً بی نظمی موردمسئولین را - عمدتاً از آمریکا خریداری نمیشود. نسی



دوران ریاست جمهوری کارتر، امپریالیسم آمریکا فروش تسلیحات را به لسالوادور به دلیل "تفاهم آتکار حقوق بشر" در این کشور، بظا هر تحریم نمود. به این ترتیب اسرائیل واسطه فروش تسلیحات ساخت آمریکا به این کشور شد. با روی کار آمدن خونستای سال ۱۹۷۹، آمریکا کمکهای نظامی خویش را از سر گرفت و نخستین محموله آن که وسایل مربوط به سرکوب اغتشاشات شهری به ارزش ۲۵۰ هزار دلار بود تنها سه هفته پس از کودتا به لسالوادور ارسال شد. تا سال ۱۹۸۱، کمکهای نظامی آمریکا عمدتاً بصورت اعزام گروههای کارشناسی نظامی بود و طی این دو سال، به عنوان مثال، دو هزار ارتشی دوره ویژه "سرکوب اغتشاش شهری" را از بریتانیا مستقران نظامی آمریکا گسیل دادند. در سال ۱۹۸۱، همواره با بهرانی شدن اوضاع لسالوادور، این کمکها چندین برابر شد. به نحوی که آخرین کمک نظامی آمریکا به لسالوادور در سال جاری (۱۱/۵) میلیون دلار (برابر با ۵۰۰ میلیون کیل کمک نظامی بوده است) که آمریکا طی سالهای ۱۹۷۹ - ۱۹۸۰ به این کشور ارسال داشته، و تنها طی چهار ماه اول "تفاهم عمومی"، آمریکا بالغ بر ۲۴۲/۲ تن محموله نظامی برای خونستای فرستاده است.

همگام با ارتش باندهای سیا به سرکرد انقلابیون شرکت میجویند. این باندها که متشکل از همان اوپاشان مسلحی است که سابقاً زمینداران بزرگ برای حفظ "نظم" در قلمرو خویش استفاده میکردند، اکنون از سوی سازمان جاسوسی آمریکا "سیا" تا مبنی مالی و تسلیحاتی میشوند. رهبران این باندها از میان افراد سرشناس محلی و مشاوران ارشد از میسکان بازنشستگان و کارمندان نیروهای منسبتی لسالوادور انتخاب میشوند. تعداد این افراد مسلح، که با ارتش نیز به طور رسمی - عملیات مشترک انجام میدهند، از سوی دولت پیش از ۵ هزار نفر برآورد شده است. سران این باندهای سیا که در لسالوادور آنان را "جوخه های مرگ" مینامند، در ماه مه ۱۹۸۰ رسماً اعلام نمودند که هدفشان "تاسود" ساختن تمامی کمونیستها در لسالوادور میباشد. و طبقه اصلی این تاسود را سران چپ، افراد مظلوم به همکاری با چریکها و سربازان مراری و نیز کشتار جمعی (به منظور ایجاد درع و خوشت) است. این افراد طی ماههای اخیر، بطور متوسط روزانه بیش از ۱۵ نفر و گاه تا ۵۰ نفر را به قتل رسانده اند.

در چنین جو ترور و سرکوبی است که خونستای اعلام میکنند قصد دارند در بهار آینده انتخابات مجلس مؤسسان را برگزار نمایند. خونستای که در ماه مه (اردیبهشت) گذشته اعلام نموده بود طی چهار ماه انقلابیون را به کلی تاسود خواهد ساخت، حال قصد دارند از سوی این فرصت بهره جسته و جنبش را کاملاً سرکوب نماید و به بهانه ایجاد محیط آرام برای انجام انتخابات، توده ها را خلع سلاح نماید. و از سوی دیگر عناصر لیبیرال موجود در اپوزیسیون را به میدان انتخابات به سازش بگشاند. روشن است که توده ها نیز در چنین شرایطی اختناق فریب انتخابات را نخواهند و سطح پرزسین نمی نهند، کمپین سیاسی - دیپلماتیک مشترک "جبهه رها نبخش ملی فابوندو ما رتی" و جبهه دمکراتیک انقلابی، طی آخرین موضع گیری خود امکان هرگونه مذاکره مستقیم را بسا خونستای و با آمریکا نفی کرده و اعلام داشت که تنها در صورت حضور یک میانجی بیطرف خارجی حاضر است تا در گفتگو جهت یافتن یک راه حل سیاسی برای بحران موجود - شرکت جوید.

ادامه دارد.

تقلیدی ناشیانه از شگردهای

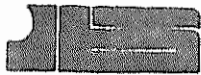
کیف ...

بقیه از صفحه ۷
حضور آنان در جنبش - که گفتم هیچگاه از آن گریزی نیست - افزایش نیافته و با بهیچروی جنبش روبه انحطاط نرفته است بلکه این توده های شدن و وسعت یافتن مبارزه است که باعث میگردد همین نسبت بسپار کمخاستن در جنبش تعدادی بسال توجهی را تشکیل دهد. از سوی دیگر بررسی وضعیت تنکلیاسی این افراد - حتی به گفته خودشان، منلاً

خاستن به خلق همواره به یک گونه سخن میگویند چه آنها که در زیرمشت ولگد و شلاق بریده اند و چه ورطه خیانت به خلق در غلتیده اند و چه آنها که در کوران مبارزه طبقه ای خیاقت به خلق را پخته کرده اند، چه آنان که از ترس جان در زیر چنگ جلا - نادم گشته اند و چه آنان که در پی در پیوزگی مقام جلا - بهر و هر دو دسته خاستند و می بینیم که هر دو دسته نیز به تبلیغ یک نظریه میپردازند. ما در شمار آینه روشن کلی ایس نظریه را مورد بررسی قرار می دهیم تا برای دهمین و دهمین بار برطلان آنرا اثبات نمائیم.

ادامه دارد

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی



اخبار شهرستانها

واکسر تجلیل از شهدای خلق

روزیکششنبه ۱۵/۶/۶۰ با صی ۴ نفر از شهدای محاهد و هوادار چریکهای فدائی خلق اعلام شد و در ساعات محله را مرجع شد یکی از شهدای بنام علی صالحی (مجاهد) تشییع کردند که مردمها شرکت خود در این مراسم خشم و نفرت خود را نسبت به رژیم جمهوری اسلامی بنماش گذاشتند. جمعیت شرکت کننده حدود ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر بود و به دستورهای سخنانی اهداف فرزندش و سایر شهدای خلق را برای مردم تشییع کرد. سپس جمعیت در حالیکه شعار میدادند به طرف بازاری شهر حرکت درآوردند و در آنجا عمداً "مرگ بر خمینی و مرگ برای آمریکا" بود. خشم و آزار مردم بقدری توفند شد و بالاخره حتی با سداها قدرت ما نورداشتند شدند. مردم با اتحاد خود و با شرکت در این حرکت اعتراضی در خرابه دریا فتند که رژیم در مقابل اعتراضات یکبارچه مردم تا چه حد زیوانا نشود و در ربه عقب نشینی خواهد شد.

آمل گزارشی از یک حرکت اعتراضی

حدود ۲۵-۳۰ ما شب در پمپ بنزین محمدآباد آمل منتظر دریا فت بنزین بودند اما مسئول پمپ بنزین اعلام کرد که بنزین ندادیم فقط ۵۰۰۰ لیتر مانده که ذخیره - ارتش است و نمیتوانیم بدهیم مگر از سپاه ها غذا بخرید. یک زن به طرف آمل راه افتاد و پس از یک ساعت کاغذی با مهر سپاه آورد و ۲۰ لیتر بنزین گرفت و رفت. بدنیا آن یک وانت با چند نفر دیگر از صاحبان اتومبیلها به سپاه رفتند اما سپاه گفت شما مربوط نمی شود و برگشتند در این موقع مردی ۴۰ ساله که زن و بچه اش همراهش بود و در پمپ بنزین شروع به زدن بنزین کرد. پمپ بنزین گفت شروع به زدن بنزین کرد مردم پرسیدند چرا به او بنزین دادی گفت تلفن شده که با بد بنزین بگیرد مردم شدیداً اعتراض کردند. مرد ۴۰ ساله که کلت به کمر بسته بود گاشی درآورد به سر با زشتی و حفاظت پمپ بنزین نشان داد که کارت کمیته بود و وی از مشهد عازم تهران بود و پس از دریا فت بنزین بطرف تهران حرکت کرد در این موقع ما شنیدی که دوپا سداها را خوانده ها پیش سر نشینان آن بودند از صف خارج و به آمل رفت و کاغذی برای دریا فت بنزین آورد که در این موقع مردم ریختند و شلنگ بنزین را گرفتند. آنها گفتند ما ما موریت را رییم و مردم که سداها را را حث و خشمگین شده بودند گفتند حتماً ما موریت را ریختن تا خوانده ها بیایان راه گردش بفرید و یکی از میان جمعیت گفت اگر با آنها بنزین بدهید پمپ بنزین را آتش میزنیم. ما مور مسلح پمپ بنزین جاسوس

کابلان

کشاورزان زحمتکش این منطقه که پس از کاشت و زراعت فرمای شبانه روزی و صرف هزینه بسیار را بیک محصول خود را دروسی کنند تا بلکه مغا رچیکس ل خانوادها - تا زمین کنند از جانب رژیم تحت فشار بسیار قرار گرفته اند که با بدترین شرایط غرابه قیمت ۵/۵ تومان و انوار عمده گررا بسا قیمتی بسیار کمتر بدولت بفروشد. هماینگ دردها تا چندین وقت و فتنه مانع فروش برنج روستا شیان بشیمت را بچ ۲۲۰۰ ریال میشوند.

یکی از کشاورزان میگفت: برنج راه دولت نمی فروشیم مگر سینه امرا با سدا را با گلوله سوراخ کنند، بیهوده "برنج را از سر برنج بکشند. دیگری با دنبال کردن سخن او میگوید: ما دریا ره رچه پول داشتیم خرج کردیم و تا زه بدکار ری هم درایم پس ها لا بطور میتوانیم برنجمان را در بیست در اختیار کمیته بگذاریم. اگر با قیمت ارزان برنج را بفروشیم زن و بچه ما ان گرسنه میمانند.

یکی از روستا شیان ده سال میگفت: زمانی دولت میتوانند بشیمت ارزان برنج را بفروند که قیمت همه اجناس و کالاها ارزان باشد. وقتی که ما با این همه زحمت و خون کردن هر ماهی بیک کیلو میوه نمیتوانیم بفروشیم و تا زه اگر برنجمان را به قیمت - کیلوشی ۲۸ تومان هم بفروشیم نمیتوانیم بدکار ری های خودمان را بدهیم. چطور به این کار دولت تن بدهیم. با بده همه ما با هم جلوا بکنیم را بگیریم. بیک دختر زحمت کش روستا شیان ۲۵ ساله در اینصورت میگفت: دستها بدم را شرکما زخم شده و ترک برداشته آنوقت برنج را کیلوشی ۱۵/۵ تومان بفروشیم تا زه با این پول چی همیشه خرید قیمت همه چیز چند برابر با لارفته. اگر دولت راست میگه همه اجناس رو از زمین گشته آنوقت ما هم بشیمه در صفحه ۱۶

آمد و گفت من بنزین به او میدهم تا ببینم کی جرئت اعتراض داره. همه جمع شدند حدود ۱۰ نفر بودند پیر مردی ۵۵ ساله سینه اش را با زکر دوگفت من نمیگذارم. بنزین بده میخواستی بزنی به سینه من بزنی و با سینه بنزین بده. ما مور مسلح دست دوسه نفر را گرفت و گفت برویم با سگاه در این موقع تمام جمعیت گفتند با سگاه با سداها بیاید اینجا. اگر قرار با سداها با سگاه بفرید ما همه تیا مییم. ما مور مسلح دست آنها را اول کرد و خود به داخل دفتر پمپ بنزین رفت مردم شروع به صحبت کردند یکی می گفت: دیشب مردیکه ریوشا مده بود توی تلویزیون و میگفت در شمال همه چی هست و اینکه میگویند بنزین نیست تا بیه فسد انقلاب است. خوب مردیکه جالابا بیوسن تا بیه فسد انقلاب است با خود سدا انقلاب هستید. بیک نفر دیگر که حدود ۵ سال سن داشت رو به سدا زکر دوگفت شما فقط بلدید بچیک فدا شیکشید کار دیگری بلد نیستید. شما با دارید جوانهای مردم را به گلوله میندازید و دیگری گفت شما با سداها خیالت نمی کشید که این همه دم از مستخفین میزنید و اینجوری آدم میکشید و با لایحه بکنفران زمین جمعیت گفت: اینجا مثل ما واکبها هستند. ما واکبها می آیدند. کارت نشان میدادند و هر کاری که دلشان میخواست میکردند. ما اینها هم میخواستیم با نشان دادن کارت بنزین بگیرند ما کور خوانده اید تا همه بنزین بگیرند ما از اینجا نمیرویم و شما را هم نمیگذاریم بنزین بگیرد با لایحه مقابلت و مت مردم و تا آنها موجب گردید که به همه ما شینها ۱۵ لیتر بنزین دادند و سداها را هم فرستادند آخر صف که در نوبت خوانده بنزین بگیرد.

جنایات پاسداران سرمايه

روزی یکی شب یکشنبه ۱۵/۶/۶۰ در جواهرده را سر پیرزن و پیر مردی به همراه چند نفر از روستا شیان در قبرستان در روستا شیان یک فانوس در تلاشند تا جا بجا برای دفن جسد غرقه بخون فرزند دلبنده شان مرتضی میرزا شیان (هوادار چریکهای فدائی خلق) در دل زمین بکشند. هنگامیکه پس از تلاش بسیار زمین را شکا فتند جسد خون - آلود را از داخل تا یلون بیرون کشیدند و در مکان فوق جای دادند. پنجره های مشرف به گورستان را با زبده ضمه متوجه صحنه دفن انقلابی گلگون کفن بودند تا اینکه مردم دفن بیا بن رسید. خشم و نفرت از دیدگان روستا شیان نشان بود اما آنچه خشم مردم را دو چندان ساخت اتفاق بود که روزگنه در منطقه روی داد. آنها سدا ر مسلح -

قبرستان بیورش برده و پس از زدن تیر - انداز که به طرف قبر، جسد بیجان شهید خلق را از خاک بیرون کشید و با خود بردند - سپس در دره ای در جاده کابلان - را ماسر پرتاب کردند.

خبر این جنایت بسرعت در بین مردم پیچید. مردم با نفرت از این جنایت است هولناک صحبت میکردند و برای یکدیگر نقل مینمودند. تنها این اعمال را می توان با شیوه های فاشیستی هیتلر و صهیونیستها مقایسه کرد. اگر رژیم جمهوری اسلامی تصور میکند که با اینگونه اعمال جنایتکارانه رعب و وحشت برخواهد انگشت و مردم را از مبارزه انقلابی با زخا همد داشت زهی خیال باطل. تنها این اعمال لزوماً عمل اقرا از جانب توده ها را ملموس تر خواهد نمود و آنگاه توده های مطلع اند که بساط این جنایات را برخواهند چید و رژیم جمهوری اسلامی را به همراه مزدورانش به گورستان تار و پود خواهند فرستاد.

سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند

صید آزاد حق مسلم صیادان است

اخیرا "شیلات طی اطلاعاتی از مظلومین و کارشناسان و همچنین صیادان خواسته است تا نظرات خود را در مورد اصطلاح صید و وضع شیلات و صید و صیادان و ... به این شرکت ارائه دهند.

این چندمین بار است که شیلات به این قبیل ترفندها (تشکیل جاسات، نشستها، سمینار، کاغذها زیبا و ...) دست یافته است و هر بار نیز با واکنش صیادان مواجه گردیده است. اما این بار چون جوجا صمرا - هفتان و ترورفر، سرتهاست درسا به جوسو موجود از یک سو و از سوی دیگر، شورای صیادان بیک شورای واقعی نشود. طول ۱/۵ سال تا سیم خود به خواسته های صیادان پاسخ ندهد است شرکت شیلات سعی دارد بخمال خود در چنین شرایطی مستترین بهره برداری را نموده و خاکمیت خود را بر صید و صیادان مطلق سازد (قابل ذکر است که شرکت شیلات هنوز متوسط همان سرمایه داران قبلی اداره میشود، شرکت شیلات برای پیگیری درسیا ستها ی خود تا کنون جلساتی با شرکت نمایندگان سایر ارگانهای سرمایه داری از جمله استنادار، فرما ندار، کما شرع، سپاه، گروه ضربت، جهاد، وزارت کشاورزی، محیط زیست تشکیل داده است و شما مگوشر آنان تا کنون این بوده تا صیادان آزاد را در چهار چوب مورد نظرشان و اداره کار نمایند آنها خواهان استفاده صیادان به صورت کارگر شیلات هستند و خواهان آنست که صیادان بصورت اجباری به صید بپردازند (پاره عیار از تور بزرگی است که متعلق به شیلات است و عمدتاً با استفاده کارگران فلسطینی و با اجاره بهره صیادان و فروش اجباری ما می به شیلات این شرکت به اشتما صیادان منبردارند) کارگران شاغل در بهره ها از حداقل بهداشت درمان، ممکن خوراک و دستمزد کافی میسر

مند و در برخی نواحی ۳-۴ ماهه خوانواد خود را نمی بینند و علت آن کارمندان و ممیبا شد. این توره ها انواع ما هیبا را از زیر و درشت صید میکنند که خود تا بود کنند نسل انواع ما هیبا صیبا شد و جالب اینجاست که شیلات که با این روش صید میکنند صیادان را مشغول از زمین رفتن نسل ما هیبا قلندند و صیادان طعمه ها را چدریا میخورند. صیادان همگان نگه با رها اعلام داشته اند نه شیلات زیرا رسپا ستها ای است شما گرگانه شیلات شمیر و نند بلکه خود استهای خود را به شرح زیر اعلام داشته اند. ۱- کماکان استفاده از دام شایسته در دریا و ... های مضر که لاکش و ما تک اسالک در رودخانه را با صوابی که شورای واقعی صیادان است منسکند. ۲- گرفتن و ام زشورا به ای سما که دلایل ما می و بخصوص در زمانی که بر شرایطی شایسته دریا، توره های صیادان از زمین میروند و صیادان مجدداً احتیاج به وام جهت خرید ابزار و ادوات خود دارند. ۳- بدست آوردن بازار فروش ما می توسط شورای زمین رفتن و سطحها و دلایلهای ۴- ایبا دستا و می مصرف برای صیادان جهت خرید ما هیبا عمومی به قیمت مناسب ۵- اجاره و اردگردن ابزار مورد نیاز صیادان به شورای تطبیق وزارت بازرگانی و خلع پیدا ز سود حویان و تها ربا زار که فروش این ابزار را در دست دارند. ۶- در نظر گرفتن ضوابط استفاده می و به زشتگی در چهار چوب یک مجتمع ما می گیری و مسائل رفاهی از قبیل بهداشت، بیمه، مسکن و ... ۷- لایروبی مرداب و رودخانه ها می کسه امکان رشد و زیاده ما می وجود داشته و جلوگیری از خشک شدن آنها.

کتابخانه
سازمان
اطلاعیه
قابل توجه برادران صیاد و همسران عزیز
...
اسدالله حضرت واد

جمع آوری کلیه بهره های شیلات و شرکت شما می و اجاره آفر ...
تا کنون نه تنها به این خواسته ها پاسخ نداده بلکه با کلاه و بخون کشیدن صیادان ...
اتها ما می چون قاچی می ...
...
اداره خواهد داد.

گزارش

بقیه از صفحه ۱۵
برنج و ارزون میفروشیم.
این سخنان و کفار و زان و برنجکاران زحمتکش میهمان است آنان که با مصرف مخارج بسیار و کثرت فرسایشک در صد جمع آوری حاصل رنج چند ماهه خویشانند با اجاق فانت بیسار از سوی دولت مواجه اند اما آنها تا کنون در تهر به دریا نند که با آنها در شکل خود در مقابل زورگوییان خواهانند ایستاد. نقش نیروهای انقلابی و آگاه در چنین شرایطی از اهمیت خاصی برخوردار است از همین رو است که ابتدا رژیم انقلابیون و نیروهای پیشرو و آگاه را دستگیر و عدا می کنند و حو خفقان و ارباب بدد می و در تا بخمال خود در سا به جو شرور و احسانا سیاستهای ضد خلقی و استثمارگرانه خود را به پیش برد. اما زحمتکشان - تن به استنما رند و با اتحاد دیکها رچه خود در مقابل دولت خواهند ایستاد.

التهیر

در تاریخ ۵/۳/۶۰ اعتراضات سیه پاسداران ابهر در حین ما موریت از قهوه خانه شیرین نصر آباد، دودستگاه تلویزیون دزدیده و داخل ماشین سیه میگذارد بعد از انجام ما موریتش! دست پا چه شده و در بین راه خرمدره - همدان و مرد میبا نسال را بر سر میگیرد و چون مورد تعقیب ما حب قهوه خانه بوده ما شین را در سه راه همدان قزوین گذاشته و بر مرکز (تهران) رفته و اظهار می دارد که ما شین مرا قدا انقلابیون اردستم گرفته و خود نیز جرای مجزاف را ننداشتم. ما حب اموال (تلویزیون) و بستگان کشنده ندگان به شهر با می ابهر مرا جمع کرده و از پاسداران میرده نگاشت میکنند که بعد از تفحص و تعقیب پاسداران به ابهر آمده و دو تلویزیون را گرفته تحویل ما حب می دهند و هنوز جهت روشن شدن وضعیت پاسداران زندان شهر با می بسر میبرد. قیدار (خدا بنده)

در تاریخ ۵/۲۶/۶۰ افرادی بنام فراهانی که از قهوه به شیت است از زمان تعاون روستایی محل اخراج میشود و با مراجعه تا میرده جهت بازگشت بکارش با آدرمی شوند که اگر توافق کسی که عکس را در روزنامه چاپ کنند و بر آنرا رونق گرفت از بهای شیت بکنی میتوانی بر کار را بر ساز کردی.
روز ۹/۶/۶۰ از ساعت ۱۱/۵ چندین با رطول شهر ابهر را عده ای حدود ۴۰ نفر زن و مرد دزدیده و با دادن شلالت می کردند مرد مراد او را ربه شرکت در مرا عزا داری رجائی و با هنر کنند. شما رها اردا گل یک سیمرخ توسط ساداری اقرار است می شد ساعت ۱۱/۵ حدود هزار نفر را از کارخانه میخواند و بهر بلاست را با اجبار برای شرکت آوردند (با همه تلاش رژیم در پاسن مرا سم در زندان حدود ۷۰ هزار نفر شرکت کردند) در این مراسم بهین عنا حهای مختلف حزب جمهوری اسلامی در کمرها می روز کرد.

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است



آیازیمهای ضد خلقی چون رژیم خمینی، سادات و پینوشه

بقیه از صفحه ۱۳

بقیه از صفحه ۱۳

دادن تک وظیفه شرعی است و سرساختن مردم از عواطف دانا شن مهر دانا شن ما هو داد کردن کا رسدان، نگران، خیر و های مسلح در ارتش، شهرهای و زاندا رمری به دادن - رای ویا لانزار همهر پینوشه آرای فلاسسی، کوشش کرد هر چه بیشتر مسدود و قها را پر کند و سپس اعلام کرد که رچاشی نزدیک به سپرد و میلیون رای آورده است، ازهی وقاحت و بیشری.

واما نمونه دیگری از انتخا بات فرما بشی وفلاسی که در هفته گذشته انجام شد، انتخا بات ریاست جمهوری در شبلی بود، با زجا لیب است که روزنامه جمهوری اسلامی با چاپ عکس ز نرال پینوشه هنگام انداختن رای بدون صدوی نونش است: "سلبیوسها رای صافگی وفلاسی (پینوشه) هستند و شای رای کسری ریخته شود و (پینوشه) برای سطل دیگر فرصت دار تا حمام خون بر آید سدا زده... این سخنان از روزنامه ماریگان حربی است که بعنوان همه کاره حکومت مدخلقی جمهوری اسلامی هر روز فریاد می زند، جوانان - مساروا نقلی ایران را به چوچه های - اعدام سپرده و ظرف کمتر از سه ماه نزدیک به یکپاره رود و بیست نفر را اعدام کرده است، جنا بیستی که رژیم چپا پینوشه روغاش پینوشه ظرف سال در چنین اسفادی مرتکب نشده است.

مردم آگاه و مبار را ایران به سردمداران - خا شن رژیم جمهوری اسلامی میگویند شما که در مورد شبلی و مسرا بیستور بلبل زبانی می کنید آیا از خود پیر سده به دیبا ایستین شما پیش ها بی که بنام انتخا بات راه - اسدا خه و رچاشی و خا منهای و... را از صدوی سرور می ورید مردم ایران و در باره شما چه میگویند... با توانسته - ایدحی بک آدم آگاه روشن سپی را - بفرستید؟! شک نیست که رژیمهای مسسد خلقی حور رژیم سفاک خمینی، دیکتا تور - پینوشه و رژیم خا شن سادات برای مشروعیت بخندن به حکومت های ضد مردمی خود - دست نجیب انتخا بات مفتح و سها بشی میزند ولی آنها با بدندان انتخا بات - نما شات نه میتوان ند مردم جهان را فرشته و به حکومت آنها مشروعیت دهد و به بسن با صلاح انتخا بات نمیتواند اسقوط - حکومتی آنان بدست نوده های میلیونی مردم جلوگیری کند.

همخواهد کوشید تا با محور کردن مردم به دادن رای ویا ریختن آرای فلاسی در مسون ها به سها دهی فرما سی وفلاسی خود ریک فانوسی و منروعت سده، غافل از آنکه مردم ایران و جهان از این نوع انتخا بات و این آمار و ارقام ساختگی زبا بدیده و شنیده اند و ۹۹ درصدها نمیتوان سداها را - گول بزند. اما جالب است رژیم کد در جوی کردن این آمارها دست همدا سلاف خود را ز پشت بسته است وقتی میبند عین حسن کاهاشی از طرف رژیمهای سی با به وضد خلقی دیگر، نظیر مصر و شبلی و... انجام - میگیرد، آنها اعلام میکنند که ما از اعتماد پیش از ۹۰ درصد مردم برخورداریم بین عمل آنها مورد اعتراض و استهزا، سردمداران رژیم جمهوری اسلامی قرار میگیرند! اسما سی اختیار پیدا مثل معروف میا فتند که دیکر به دیکر میگویند روت سیاحت در اینبار روزنامه دولتی اطلاعات در شماره ۲۱۲ تهران مورخود - تحت عنوان: "همه پرسی نما بشی در مصر" چنین مینویسد: "نور سادات بصطورتوجه اقدامات سرکوبگرانه خود از مردم خواست طی یک همه پرسی پها مون اقدامات وی نظر خود را اعلام دارند، این همه پرسی روز پنجمینبه گذشته انجام گرفت و برپا سسه گزارش رسمی که از سوی دولت منتشر شد ۹۲ درصد از ۱۴/۲۸ میلیون رای دهنده واحد شرایط در آن شرکت کردند و ۹۹/۴۵ درصد از این عده به سرانده رئیس جمهوری ایران سرکوبی مخالفان سیاسی و پندوران - مذهبی رای موافق دادند.

تبلغات چپهای جمهوری اسلامی از - اینکده سی پینوشه رژیم سادات که استهزا مورد مسرورا چرا مردم سدا زوی دست آنها بلند شده و این چنین وقیحا به ادعای به دست آوردن ۹۹/۴۲ درصد آرای "مردم" را میکنند مسادرت به "فشاگری" کرده و شکردهاش را که رژیم سادات برای بالابردن آرایان متوسل شده است "فشاگردها سدا" روزنامه اطلاعات در دنباله مطلب بالا داده میدهد:

"سرگزارش خبرگزاری ها در چند ساعت اول همه پرسی استقبال چندانی از اقدامات سادات نشد اما پس از آنکه سادات دولتی تعطیل شد سدا رمدان مصری ناچار از - شرکت در رهرا بدوم شدند.

حقا "که با بدیه رژیم جمهوری اسلامی با زشت داد که گوی سبقت را از رژیم سادات در سر هم بندی کردن انتخا بات قلابی ربهوده است. اگر رژیم خا شن سادات با اجبارکا رمدان به دادن رای، در بالا بردن آرای خویش اقدام کرده است اما رژیم خمینی از مدتها قبل از انتخا بات دادن فتواهای چپ و راست و اعلام اینکه رای -

ارگان سازمانی و نقش آن مبارزات خود را حول... ایجاد پست سرخ یا

پست سوسیالیستی

ایجاد "پست سرخ" به معنی رسا نیدن نشریات و مطبوعات سازمانی (حزبی) بطور مرتب و سازمان یافته بدست افراد مستعدی است که این نشریات را آبونشان یا مشترک - هستند، در این رابطه چند نکته را باید ذکر نمود، از سویی وظیفه تشکیل یک "اداره - پست کمونیستی" بر عهده سازمان است و مسلما "با بددرشرا بیگ کنونی در جهتها ایجاد آن هر چه سریعتر گام بردارد. از سوی دیگر دو شکل ذکر شده جهت توزیع نشریات خود و جوهی از ایجاد یک "پست سرخ" را در برمی گیرد اما در اینجا ما تا کیدما ن بر سازمان - با فتگی و گستردگی جریان است. هر هسه یا بهتر از آن هر حوزه فا در است پست سوسیالیستی را سازمان دهد، با بدتاما می افرا دیرا که با بد نشریه بدستان پرسند شما سانی کنیم مثلا "حوره (آ) که مسئول - سازماندهی اگرچه است با بد رهسار کا رخانه نگارانی را که پلیس و جاسوس و طرفدار رژیم نیستند و حیانا "از سطح آگاهی لازم برخوردارند (این سنا سله ضروری نیست) شما سایی شما یید، این شما سانی شما مسل مسیرهای رفت و آمد و مسافت آنها در کارخانه و آدرس خانه آنها خواهد بود. آنکه با بد نشریه بین و شما سببین محل جهت رسانیدن نشریه به دست آنها را مشخص کرد - انداختن دا خله خانه، فرادان در کمندکا رخانه شما... در این رابطه مثلا برای حوزه (آ) ۵۰۰ آدرس تهیه میشود آنکه با بد جهت رسانیدن ۵۰۰ نشریه، و ۵۰۰ اعلامیه و مهنتر از همه ۵۰۰ ارگان سازمانی شما یید آدرسها بر ما سه ریخت، سازماندهی کرد و آنرا بشکلی مرتب و لایق قطع عملی ساخت. در این رابطه با بد بدت مساکل امنیتی را در نظر داشت با بد از شما رب تا ریخی آموخت با بدیبا دآرد که چگونه رفقای کمونیست ما در جبهه های جنگ جهانی اعلامیه های خود را بخش مسی کردند با بدیبا دآورد که چگونه در زمان - قانون ضد سوسیالیستی در آلمان (۱۸۷۸ - ۱۸۹۰) کارگران آلمان در زیر بن شدند - ترین فشا رپلیس سیاسی با انتخا بات سازمانی - ندھی توانستند عبور روزنامه های غیر قانونی هفتگی را از مرزها و تحویل آنها را به خانه های شما مسترکین تضمین کنند، آنچنانکه حتی وزیران سرسپرده دولت آلمان لمب به تضمین آنان کشودند.

پس رفقا با بد کوشید به صورت و بهسر شیوه ارگان سازمان را در بیشترین تعداد ممکن توزیع نمود. با بد در این رابطه مسیقا "سازماندهی کرد و آنرا بکا برد، با بد از شما می نیروها و توانهای موجود - سود برد، با بد تا حد امکان ارگان را مجددا" تکثیر کرد با مقالانی از شما ز تکثیر نمود و بدینصورت جدا کثیر شما را ایجاد کرد.

میان وسعتترین اقشار و طبقات را بدیدد آورد.

تنها بدینطریق است، که ارسنا طی هر چه ارکا تک نیرو بسودی هر چه کمونیستی تر با نوده های می بسوم و سها از طریق ایسن شکه ها است که میسوا بسیم نوده ها را حرکت وادارم و هرگونه بسیمو شکل سرخ را سازمان دهم.

ادامه دارد.

این یک، وظیفه انقلابی است که در شرایط کنونی با بدیه بهترین وجهه پیش برده - شود. با بد در رابطه با هرگونه سستی و افعال در این مورد که باید "انتفا دعومد، با بد هرگونه کوتاهی، در سازماندهی شکه های - شورج و در رسانیدن نشریات بدست هراتکی که مایل است آنرا بخواد در اندت و سها کمال" سی رحمی" مورد حمله قرار داد. با بد تشکیلاتی پولادین جهت توزیع ارگان در

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران

کارگران مبارز کارخانه آزمایش زیر بار شورا ی فرمایشی نمی روند

بعد از قیام بیستم ماه و سرنگونی رژیم شاه کارگران مبارز که سهم بسزائی در سرنگونی رژیم داشتند اقدام به تشکیل شوراهای واقعی خود نموده و از این طریق توانستند به تعدادی از خواسته های خود جامعه عمل ببوشانند و سرمایه داران را به عقب نشینی وادار کردند. رژیم ضد خلقی حاکم که شوراها را سدی در برابر چپسال اول هرچه بیشتر کارگران و زحمتکشان مبدید از همان ابتدای قدرت گیری، شوراها را مورد بیورش قرار داد. وجود شوراها در کارخانه، مزارع و محلات چنان رژیم را به وحشت انداخته که بسی صدر لیبهرال کتبه بدروغ دم را آزادی و آزادیخواهی میزد تمام پرده ها را بکناری زد و فریاد "شورا بی شورا" را سرداد. ولی کارگران با هر بیورش حاکمیت بشورها پشان مصمم تر به دفاع از آن بر میخواستند و رژیم که همیشه مترصد فرصتی مناسب برای بیورش نهائی بشورها بود شرایط فعلی را امانت فرمای شمرده و همراه با سرکوب توده ها و نیروهای انقلابی بیورش به شورا های واقعی را آغاز و بجای آن شورا های فرمایشی خود را تشکیل میدهد و هیچ حقی برای انتخاب به کارگران نمی دهد. بطور نمونه رئیس کانون شوراهای اسلامی طی سخنانی که در کارخانه آزمایش در تاریخ ۶/۱۱/۶۰ ایراد کرد و موضوع سیاستهای رژیم را در مورد شوراها بسطی گذاشت و بی از سخنانی در مورد نحوه پاکسازی و کنترل مورد شورا چنین میگوید:

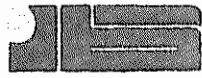
"جهت تشکیل شورا هیئت موسس که همان انتخابات تعیین میگرد و موسس است صلاحیت کاندیداهای شورا توسط انجمن اسلامی تا شد گردند تا شورا در انتخابات شرکت کنند و غیر این صورت اگر تمام کارگران سبک بشوند که مورد تا شد انجمن شورا را نخواهد داشت.

التمته های تحمب نیست زیرا زمانی که میزان رای خصیسی باشد نه رای توده ها میبایست آقای رئیس شورا اهم از ولایت مرا طاعت کرده و همان شیوه را پیش گیرد. اما از هم اکنون مسلم است که کارگران با تجربه ای که از گذشته دارند نه تنها در چنین انتخاباتی شرکت نمی کنند بلکه در صورت تشکیل از بالا اسرا رسمیت خواهد شناخت. زیرا کارگران و زحمتکشان شورا شورا را قبول دارند که نمایندگان آنان از بیس مبارزترین کارگران و بسا رای آرا و بدون اعمال رور انتخابات شده باشند.

با کمک های مالی خود سازمان راییاری رسانید

الف - ن	۱۲۲۲	ک	امانت شمارسد	ل	۱۱۱۱	الف
۵۲۲۲	۲۰۲۰	ج	۲۱۹ (کوبین)	۳۱۲۱	۵۱۰۰	۳۰۰۱
۷۳۰۰ م	۱۰۰۵	خ	۲۰۰۰	۲۲۱۰۰	۸۲۰	۱۱۱۱
معبد ۵۰۰۰	۱۰۰۶	د	ابلیح بلیط	۸۱۲۱	۲۱۰۰	۱۲۲۰
پروپا ۱۰۰۰	۱۰۰۰۷	ج	رئیس	۲۶۲۱	۲۱۰۰	۱۲۱۱
گوشمال ۲۰۰۰	۲۰۰۹	الف	نینا	۲۶۲۱	۱۱۰۰	۵۰۰۰
در سو ۱۰۰۰	۱۰۰۴	ر	س (سنزین)	۲۱۱۵	۲۲۷۰	۱۴۴۴
پناهگاه ۱۰۰۰	۱۰۰۳	ک	۷۲۲۲ کوبین	۶۱۸۶	۱۲۷۷۷	۲۱۱۱
۵۰۰۰	۱۰۹۹۹	م	ف - ۱۰۰ (کوبین)	۲۰۹۶	۱۱۷۱	۳۰۳۲
	۵۵۰۰	ک	ب - ۲۰۶	۵۲۸۱	۲۳۴۶	۱۱۷۱
کلرادو - م	۱۱۷۶	ب	ک ۴۴۴ (کوبین)	۵۲۸۱	۲۵۷۲۳	۲۳۴۶
۴۰۰۰۰	۱۱۷۶	ن	ک ۲۲۲ (کوبین)	۵۱۲۵	۲۲۷۰	۱۱۷۱
کلرادو - م	۵۵۱	م		۵۲۲۲	۱۰۱۵۰	۲۰۰۰۰
	۵۰۱۳	ف	رفقای روستای	۱۰۳۸۱	۶۰۰	۱۰۰۰۰
محسن قاضل	۱۰۶۲	و	شولال	۱۱۵۷	۱۰۶۹	ب
۷۷۰۰	۱۰۱۲	م	ا - ش ۲۷۰۰	۵۷۷	۲۵۱۸	۵۰۰۰
غزال ۱۱۱۵۰	۱۱۲۵	م	جواد ۶۰۰	۴۰۲۲	۵۱۳۱	۵۱۳۱
ا - س ۲۰۰۵۵	۱۰۰۲	ج	کاوه ۵۰۰	۱۱۸۱	۱۰۶۲۳	۸۰۰۰
بیا در قیق	۲۴۹۳	رها	غزال بی ۵۰۰۰	۸۰۱۲	۱۰۶۲۳	۱۰۰۰۰
شهید علی	۲۲۴۵	م	پویان ۲۰۰۰	۲۰۳۰	۱۰۶۲۳	۱۶۳۲
خصوصی	۲۲۲۲	د	ایر ۵۰۰	۲۵۵۵	۲۱۲۳	۵۱۰۰
۲۰۰۰	۱۱۱۱	م	ت ۶۰۰	۵۱۲۳	۱۱۲۱	۱۱۲۲
۱۰۰۰	۱۳۳۵	الف	ع - ش ۳۰۰	۱۱۴۰	۱۱۲۱	۱۱۲۲
عدد کوبین	۲۶۱۱	ک		۵۰۰۱	۵۱۶۰	۲۵۹۴۹
بزنز	۳۴۲۸	سما	رفقای همدان	۵۱۲۱	۵۱۶۰	ب
ی - ق ۳۰۰۰	۱۷۳۶	الف	ف ۱۱۱۱	۵۷۷۷	۲۰۰۰	۵۱۰۰
کپوش ۱۰۰۰	۲۳۲۲	م	شهرام ۲۰۰۰	۷۷۲۲	۲۰۰۰	۱۲۰۰
چرخ ۶۵۱۱	۱۵۱۸	ح	م ۱۰۰۰	۵۲۰۰	۲۰۰۰	۱۰۰۰۰
آبیا ۲۰۰۰	۲۱۲۳	ن	م ۱۰۰۰	۵۷۲۳	۵۱۸۰	۳۰۱۱۲
قشنگ ۳۳۰۰	۱۰۰۰	شرین	فتواد ۱۵۰۰	۳۲۰۰	۱۰۳۲۶	۱۳۴۹
کمکهای مالی	۱۵۰۰	ب			۱۰۳۲۶	۱۰۳۲۰
که جهت تامین	۲۳۲۳	س	رفقای سرار	۲۰۳۶	۸۷۷۷	۱۱۰۰
هزینه چاپ کار	۲۱۲۳	ش	ی ۱۸۰۶	۱۵۹۰	۱۰۱۰	۱۵۲۵
ارسال شده است	۲۷۰۱	ن	ب ۲۱۴۸	۵۱۱۱	۱۲۲۲	۱۰۰۱
	۱۶۲۲	ل	ع ۲۰۱۲	۱۰۴۲۵	۱۲۲۵	۱۰۱۱۲
	۱۴۵۶	س	ی ۴۰۰۱	۱۰۴۲۵	۱۲۲۵	۱۰۱۱۲
	۱۳۰۵	ه	ن ۱۰۰۰	۱۰۰۳۲	۱۵۴۰	ج
	۸۲۶	ب	ز ۲۰۲۲	۵۰۲۵	۵۱۲۴	۵۷۷۷
	۱۰۲۲۲	ب	ی ۵۰۳۳	۳۲۰۰	۱۰۰۰	۲۹۰۰
	۱۴۰	م	د ۱۰۰۰۷	۱۰۵۱	۶۶۰۶	ج
	۲۰۶۰	د	د ۲۳۱۰۴	۱۰۴۹	۲۰۵	۱۰۱۱۱
	۲۳۱۰۴	ه	د ۱۶۲۰	۲۰۲۲	۲۵۲۲	۲۷۷۰
	۴۰۰۵۵	ب	س ۱۶۷۷	۵۲۲	۵۳۲۵	ع
	۲۰۰۱	ن	ت ۲۱۲۸	۲۲۰۰	۵۳۲۵	۸۲۱۲
	الف - الف	ن	ی ۱۸۰۰	۴۰۰۶	۲۲۱۲	۲۲۱۲
	۱۷۰۰۰	م	ت ۵۰۰	۳۰۶۶	۲۵۰۰۱	د
	رفقای سوئد	ن	ت ۵۰۰	۱۲۲۲	۲۸۱۳	۳۱۷۸
	۳۵۱۵	س	س ۳۵۱۵	۱۲۲۲	۵۱۱۲	۲۵۱۰۰
	۷۰۰۰	ک	ک ۷۰۰۰	۱۲۲۲	۱۱۲۰	ز
	کوبین ۵۰۰	م	ک ۷۰۰۰	۲۲۲۲	۵۱۱۱	۲۰۲۲
	۱۴۱۱۱	ح	ک ۵۰۰	۵۰۰	۱۵۰۰	۱۱۹۹
	۱۰۲۲۲	ج	ت ۱۱۰۰	۲۲۲۲	۱۵۱۳۰	۳۰۱۱۱
	۵۳۲۲	ک	م ۱۷۰۰	۵۰۰	۲۰۰۰	۱۰۱۰۰
	۱۷۰۰	ج	م ۱۰۳۱۵			
	۱۰۳۱۵	ک				

دوروز تعطیل، ۴۰ ساعت کار در هفته، حق مسلم کارگران است



به یاد معلم انقلابی

رفیق صمد بهرنگی

اختری خونین بر شرق ارس

اختری می تا بد خونین بر شرق ارس :
اختر سرخ صمد -
اختری سرزده خون افشان از شرق ارس.

و ارس را می بینی که کف آورده به لب
فا که از آب ، به سر میریزد
می رود مویه کنان تا به خرم میریزد

موج موج ارس از خشم فرو کوید بر بیکر خویش
"موج موج خنرا ز سوگ" فرو کوید بنیز
مشت ها بر سر خویش

تا خرمی تا ز پیش ارس ، چرخ زنان
سبلی از خون ، بی سبزه ، خونین گیا همان
جان
از ارس تا به خزر ، تا به سیهکل ، یعنی
از صمد تا پویان ، تا دگران .

موج موج خنرا ، موجی از پس موج
فوج فوجی شود از ارتش خلقی ، فوجی از پس
فوج
شعله ، رزم ، پس آنکه ، گیرد در دم او ج .

صدا افتاد جلوی
شده پرچم دار جنبش نو
و به دنیایش ارتش ها بیرون ز شمار
را نداده تا صحنه ، رزم و بیگاری
ره سبزه تاب فردائی نوتا به ابد .

اختری می تا بد خونین بر شرق ارس :
اختر سرخ صمد .

نامه یک رفیق از زندان

رفقا ! اندکی از وضعیت زندان
برایتان می نویسم ، اینجا تنها چیزی که
برایمان ملموس است ، اعدای دستنه
جمعی است ما به این مسئله عادت کرده ایم
هر روز چند روز منده ، جان برکف را از میان
ما به جوخه ، اعدا می سپارند ، شب هنگام
صدا ایشان میزنند و صبح دیگر در میان ما
نیستند . برایشان سرودی میخوانیم ،
سپس منتظر دستنه ، بعدی هستیم البته
رزمندگان راه رهایی خلق گاملا "بسا
روحیه قوی و خندان از باقی ماندگان
خدا حافظی می کنند و انگار جهت میبمانند
میروند چه یاد گرفته ایم این جمله عمو
هورا : "ما از مرگ قوی تریم ، بگذار هر سال
چون برنجاران در میان کنند ، سال آینده
پربارتر خواهیم روئید"
مرگ اینجا مفهومی ندارد همه مرگ
را به معنای گرفتاری انداختی زندان نیان -
عادی به این مسئله عادت کرده اند .

البته قصد ندارم به این زودی بمیرم
چه در آن صورت لازم میآید وضعیت شما را
برایتان بگویم ، هرچند "خواستگرم" که
را نشان بدهم ، آزادی و رهایی خلقهای
تحت ستم خون می خواهد و با بدبختی
بدست آوردنش خون داد آنهم خون بهترین
را ، خون انقلابیون را .

اعتصاب غذای دانشجویان انقلابی ایرانی مقیم سوئد

در اعتراض به کشتارهای اخیر

ارتباط مستقیم با دولت ایران بود -
امکان افشای اسامی مربوط به قرارداد -
های ایران و سوئد و سایر امپریالیستهای
موجود در سفارت بوده است . در روز بعد -
(سه شنبه) تظاهرات موضعی از طرف دانشجو
- بان ایرانی در اطراف اداره پلیس ،
بمنظور اعتراض به دستگیری دانشجویان
در بند صورت میگیرد . ولی از آنجا که سفیر
ایران در مساعده اش با تلویزیون سوئد
خواستار تحویل دانشجویان در بند به
دولت ایران میگردد ، و دولت سوئد اعلام
میدارد که دانشجویان را محاکمه خواهد کرد
۲۴ روز چهارشنبه ۲ شهریور (۲۶ اوت) -
دانشجویان مبارز ایرانی دست به یک
اعتصاب غذای میزنند و سپس در شهرهای -
مالمه گوتنبرگ - اوشتوا اعتصاب غذای
متممندی برای آزادی ۱۳ دانشجوی زندانی
با زمان داده میشود ، اعتصاب کنندگان
استیکلام ۲۵ روز شنبه ۴ شهریور (۲۹ اوت) وارد
اعتصاب غذای خشک میشوند ، و در همان روز
نیز تظاهرات وسیعی از مرکز شهر ، بسا
پشتیبانی هواداران همه نیروهای انقلابی

در با مدد در روز دوشنبه ۲ شهریور برابر با
۲۴ اوت سفارت جمهوری اسلامی ایران در
استکهلم (سوئد) توسط دهها تن از دانشجویان
- بان انقلابی (رفقا) هواداران سازمان
ما و هواداران سازمان بیگاری (بها) شمال
انقلابی در آمد . سفیر ، همسرش و بیک کارمند
سفارت به گروگان گرفته شدند ، این عمل
بمنظور اعتراض به کشتارها و دستگیریهای
رژیم ضد انقلابی حاکم صورت پذیرفت . در -
بیا نیه ، دانشجویان ضمن افشای ماهیت
ارتجاعی جمهوری اسلامی و علل سرکنازی
بنی صدر بنمایان نماینده بورژوازی -
لیبرال ضد انقلابی آمده است : " ... این
عمل انقلابی که با عت بطول انجام میدهد
سرا نجام با بورژوازی شستی پلیس سوئد
همراه با قوای ضربتی که مجهز به سنگ -
مطلق و گاز اشک آور بودند ، منجر به
دستگیری ۳۵ نفر از رفقا گردید . " خواست
دانشجویان انقلابی درون سفارت برای
برگزاری معاصبه مطبوعاتی با مخالفت
پلیس مواجه شد . که طبق گزارش خبرنگاران
علت مخالفت وزارت خارجه سوئد - که در

گزارشی از شکنجه گاه زندان اوین

بقیه از صفحه ۲۰
اوین به روش مرسوم و منداول بدل گشته
است هر زندانی در بدو ورود با شلاق بدبختی
میشود شلاق به کف پا و اگر کف پا جاشی برای
شلاق نداشت به پشت برهنه زندانی زده -
میشود به علاوه یکی دیگر از شکنجه ها بستن
دستبندش با نی و او بران کردن مبارزین
از سقف است . دیگر ضربه و لگد و سوزاندن با
سیگار و چوب شکنجه های ابتدائی میباشد
شکنجه گران اوین روی حسینی حلال را
سفید کرده اند چنانچه اگر زندانی حسرو
اعدا صیبا با تند دیگر هیچگونه محدودیتی
در شکنجه وجود ندارد و دوتا لوله مرگ شکنجه
میشود . جلادان شکنجه گران آنجا که سرگ
رژیم را خیلی نزدیک میببینند در بار رجوش
ها نه تنها زندانی را چشم بستند بگویند
بلکه خودشان نیز با نقاب طاهر میشوند
تا شناخته نشوند ، البته بهر حال چو در آستان
در صحبتها نشان از سقوط رژیم صحبت میکند
اسما بلافاصله میگویند اگر رژیم سقوط
کنند یکی از شما را در زندان زنده نمی
گذاریم اول شما را می کشیم بعد سرا می
کنیم . وضع غذا بگونه است که هر گسسه
زندان نشان میبماند بکشد غذا به زندانی
میدهند مثلاً هر روز که یکی از سران رژیم
کشته میشود غذا به سران داده نمی شود
انقلابیون از کوچکترین حقوقی برخوردار
نیستند . از اخبار سیاسی اطلاعند و اکثر
حتی اخبار را در دیوار پیش نمی کنند تا قبل از -
مرگ رها نمی و با شنیدن اخبار دیگران را
میخندد اما اینک قطع شده است و روزنامه های
دولتی نیز با آنها نمیروند . ملاقات ندادند
و کتاب موجود در بندها منحصر به آثار مطهری
و بیشتی است . وضع زندانیان رژیم جمهوری
اسلامی تنها با زندانیان فاشیستهای -
ن و صهیونیستهای فاشیستهاست .
جوخه های اعدا هم شب در اوین برپاست
و خون فرزندان انقلابی خلق از چنگال
دژخیمان رژیم جمهوری اسلامی جاریست .
از سوی دیگر خانواده زندانیان کسه
برای اطلاع از وضع فرزند مبارز خود هر روز
در مقابل زندان جمع میشوند با محتشای
رکبکی از جا سرگردان رژیم و پاسداران
سرمایه دار میخوردند . آنها با دشمنانی
از قبیل بیخبرها ، پدربگها چند روز -
میا نشیند اینجا ، اعضا بان خوردند و
با لایحه با شلنگ آب و تیر هوشی سعی در
متفرق کردن خانواده ها را دارند .
مادری تشریف ببرد دیگران را حلسو
زندان گرفتند و با سی از شب گذشته
نگهداشتند و حتی حق دستشویی رفتن
نداشتند و اگر از بیم نگان میخوردند با
قتل ق تشنگ بر سر میگوشتند .
حارسان رژیم چو چو چو چو چو و لگد در
میان خانواده ها پرسه میزدند و نکال -
مختلف از بر و جوان و زن و مرد سعی در
کسرل خانواده ها دارند . احرا " اعلام
کرده اند که اگر از همه ای بیگنا رستور
بیا بد دستگیر میشود و گفته اند ما بیافه -
های شما را خوب میشناسیم و تشخیص میدهم
رژیم و تلاشهای مذبوحانه شما یکنواچ -
چه کسی روز میآید . اما شما می این اعمال
رژیم و تلاشهای مذبوحانه شما یکنواچ -
احضا رژیم و تو بدبخش سرنگونی ها کمی
است که در لحظات آخر مرگ خود دیده جنون -
دچار شده است .

گزارشی از شکرالله پاک زاده

موجود است که در یک روز با آنها با طرفینی سه یا چهار
برابر زندهانی را در خود جای داده اند.
سلولهای تک نفری ۲-۳ نفر زندهانی دارد
در کوچه و خیابان بهر کسی بنحوی مطمئن -
شوند دستگیر میشود و برای اینکه گنجا پیش
اوین افزایش یا بد زندهانیان وابسته به
رژیم گذشته را به قزل حصار منتقل کرده اند
قابل توضیح است که زندهان قزلحصار تحت
کنترل شهرپانی است و این دستها زندهانیان
که دوره زندان مت و با زکشت به مکتب را طی
میکند از راه نسبی برخوردارند و ملاقات
آنها منظم انجام میگیرد بقیه در صفحه ۱۹

بازداشت شکرالله پاک زاده را
محکوم میکنیم

اطلاع یافتیم که شکرالله پاک زاده ،
شخصیت مبارز و انقلابی که سالها بخاطر
مبارزه علیه رژیم شاه در زندانهای ساواک
بسربرد توسط رژیم جمهوری اسلامی دستگیر
و هم اکنون در زندان بصری بود . این
اقدام رژیم جمهوری اسلامی نشان میدهد
که دست اندرکاران رژیم از تمام کما سبکه
سالها علیه رژیم شاه مبارزه کرده اند و حجت
دارند و رسالت خود را با زداشت و بسا اعدام
زندهانی قرار داده اند که در استانسه
قیام بدست توانای توده های زحمتکش از
زندهانی و کنگه گاه های ساواک آزاد شدند ،
شکرالله پاک زاده نیز که سوابق
مبارزاتی او علیه رژیم شاه بر بسیاری از
هموطنان ما شناخته شده است و در سال ۴۹
در اثر مبارزات سردم ایران و سازمانها و
شخصیتهای جهانی را اعدام منجات یافت ،
تا سال ۵۷ در زندانهای ساواک بسربرد
و در این سال در اثر مبارزات قهرمانانه
مردم ایران به همراه زندانیان دیگر رژیم
شاه زندهان آزاد شد . شکرالله پاک زاده
در زمره شخصیتها شہت که نه تنها بیدادگاه
- های رژیم شاه و در دفاع علیه خود جنایات
رژیم سلطنتی را افشا کرد و از منافع و
آرمانهای خلق دفاع نمود بلکه در طول
زندانی نیز همچنان پیگیرانه بمبارزات
خود علیه رژیم شاه ادامه داد و علیرغم
فشارهای مزدوران ساواک هیچگاه حاضر
نشده است در ان گنونی رژیم جمهوری
اسلامی با تا شکر رژیم شاه سپردا زد .
بازداشت دوباره شکرالله پاک زاده توسط
رژیم جمهوری اسلامی نشان دهنده دشمنی
این رژیم با تمام انقلابیون است . ان است ،
خبر دستگیری پاک زاده بوج از همارو
نفرت نسبت رژیم در میان بسیاری از
سروهای مترقی و انقلابی ایران و جهان
برانگیخته است و بسیاری از سازمانهای
جهانی خواستار آزادی قوری او شده اند .

پتک است خون من درد دست کارگر
داس است خون من درد دست بزرگر
گرامی باد خاطرۀ فدائی شهید
رفیق قاسم سید باقری

زحمتکش شما لانه شرکت نمود ، او همزمان
با قیام و غلبنی شدن سازمان نقش فعالی
به ویژه در مبارزات علمی سازمان برعهده
گرفت و از همان نخستین شما ره های -
انتشاری شریبه با سخن خبر و گزارشات شریبه
همکاری داشت ، شور و علاقه رفیق بمبارزه
در راه آرمان کارگران و منافع زحمتکش
از او کمونیستی ساخته بود که شب و روز -
خستگی نا پذیر با انرژی بی سطر و طائف
سازمانی خود را به بهترین وجه انجام دهد ،
او در زمره رفقای بود که از همان آغاز
علیه مشی اپورتونیستی کمینه مرکزی به
مبارزه برخاست و قیام لانه علیه این خط
مشی انحرافی مبارزه کرد ، پس از انشعاب
فعالیت خستگی نا پذیری را در جهت
سازماندهی هواداران سازمان در استان
- های شمالی ایران برعهده گرفت و
همچون گذشته پر شور و خستگی نا پذیر به
مبارزه خود ادامه داد ، رفیق در ماههای
اخیر به تهران بازگشت و مسئولیتهای -
تازه ای در تهران بعهده گرفت و حدود دو ماه
پیش توسط یکی از مزدوران حزب الهی
لورفت و دستگیر شد ، رفیق قاسم همانند
رفیق سید سلطانی ، رفیق جهانگیر
قلعه مبارک و اب ، رفیق جزائری و دهها
رفیق دیگر که بدست رژیم در زندان
رسیدند ، تا آخرین لحظات حیات خود ار
- مانع کارگران و زحمتکش ایران فاع
کرد ، او راه افتخار آخرین فدائیان خلق
را که همواره با دفاع از منافع کارگران
و زحمتکش ایران است ادامه داد ، رفیق
قاسم نیز همانند صدها فدائی دیگر محصل
شهادی سازمان پیوست ، سازمانی که
همچنان استوار و پولادین راه پر
- افتخار فدائیان خلق را ادامه خواهد
داد ، رفیق قاسم این کمونیست پر شور
بدست رژیم در زندانهای جمهوری اسلامی این
حامیان نظام سرمایه داری شهادت رسید
اما راه او را صدها و صدها هزاران فدائی
دیگر ادامه خواهند داد و حاکمیت
همیشه در قلب کارگران و زحمتکش ایران
باقی خواهد ماند .

با ردیگر دست جلادان خون آشام رژیم
جمهوری اسلامی به خون یکی از فرزندان
انقلابی خلق آلوده شد و فدائی خلق
قاسم سید باقری عضو سازمان چریکهای
فدائی خلق ایران بدست رژیم در زندان
بشهادت رسید ، در روزهای اخیر جنایات
ننگین رژیم ضد خلقی و ارتجاعی جمهوری
اسلامی ابعاد تازه ای بخود گرفته است ،
دیگر اعدام روزانه چند تن از انقلابیون
کفایت اشتباهی سیری نا پذیر رژیم
جنایتکار و خمینی خون آشام نمیکنند ،
اعدامهای روزانه از مرزها گذشته
است و به حدود صفر در روز رسیده است ،
دو خیمان رژیم جمهوری اسلامی در این
خیال باطل بصری پرند که با این موج بی
دری اعدامها و با این سفاکیها و جنایات
فجیع که روی همه جانان تاریخ را بشید
کرده است ، فدا در زندان و راهی انقلابی
هواس افکند ، و در تمام سزای آنها ، در
مبارزه بر حقان در دفاع از منافع
زحمتکش ، در دفاع از آزادی و دشمنی
با امپریالیسم و ارتجاع خلقی ایجاد
کنند ، اما تجربه همین مدت کوتاه نشان
داده است که نه تنها این بازداشتها ،
شکنجه ها و اعدامها قادر نیست لحظه ای
در ایمان استوار انقلابیون به خلق و
توده های زحمتکش خلقی بپدید آرد بلکه
آنها را در مبارزه خود محکمتر و استوارتر
ساخته است .

رفیق فدائی قاسم سید باقری که
هفته گذشته در کنار رده های فدائی و مجاهد
بجوخا اعدام سپرده شد ، رفیق یکی از
شور و احساس بود که سالها عمر خود را در -
مبارزه در راه آرمان کارگران و زحمتکش
ایران ، در مبارزه علیه امپریالیسم و
ارتجاع گذارند ، او که قلمی سرشار از عشق
به توده های زحمتکش میهن ما داشت ،
لحظه ای از مبارزه در راه آرمان مقدس
کارگران غافل نبود ، در سالهای خفقان
و دیکتاتوری رژیم منقور شاه بمبارزه -
برخاست و پس از مدتی توسط مزدوران -
ساواک دستگیر و پس از تحمل شکنجه های
فراوان بزند محکوم شد ، او چند سال
از عمر خود را در زندانهای رژیم شاه گذراند
و در زندان نیز همچنان مقاومت و پیگیری
و با روحیه ای بسیار عالی بمبارزات خود
علیه رژیم شاه ادامه داد ، پس از آزادی از
زندانی و دوش خلق قهرمان ایران
مبارزه را ادامه داد و در قیام توده های

جاودان با دغا طره رفیق قاسم سید باقری
ننگ و نفرت بر رژیم جنایتکار جمهوری
اسلامی
مرگ بر خمینی خونخوار
نا بود با امپریالیسم جهانی بسرکردگی
امپریالیسم آمریکا و پانگه ها خلیفش

زندانی سیاسی آزاد باید گردد ، شکنجه و اختناق نابود باید گردد